



مؤسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه ریزی



تحلیل نقش آفرینان بهبود محیط کسب و کار در ایران با رویکرد نهادی

سخنران: دکتر فرج اله رهنورد
دبیر علمی نشست: دکتر جواد حسین زاده
اعضای پنل: دکتر علاء الدین ازوجی، دکتر مهدی فلاح دوست

معاونت بهبود فضای کسب و کار
هجدهم دی ۱۴۰۳

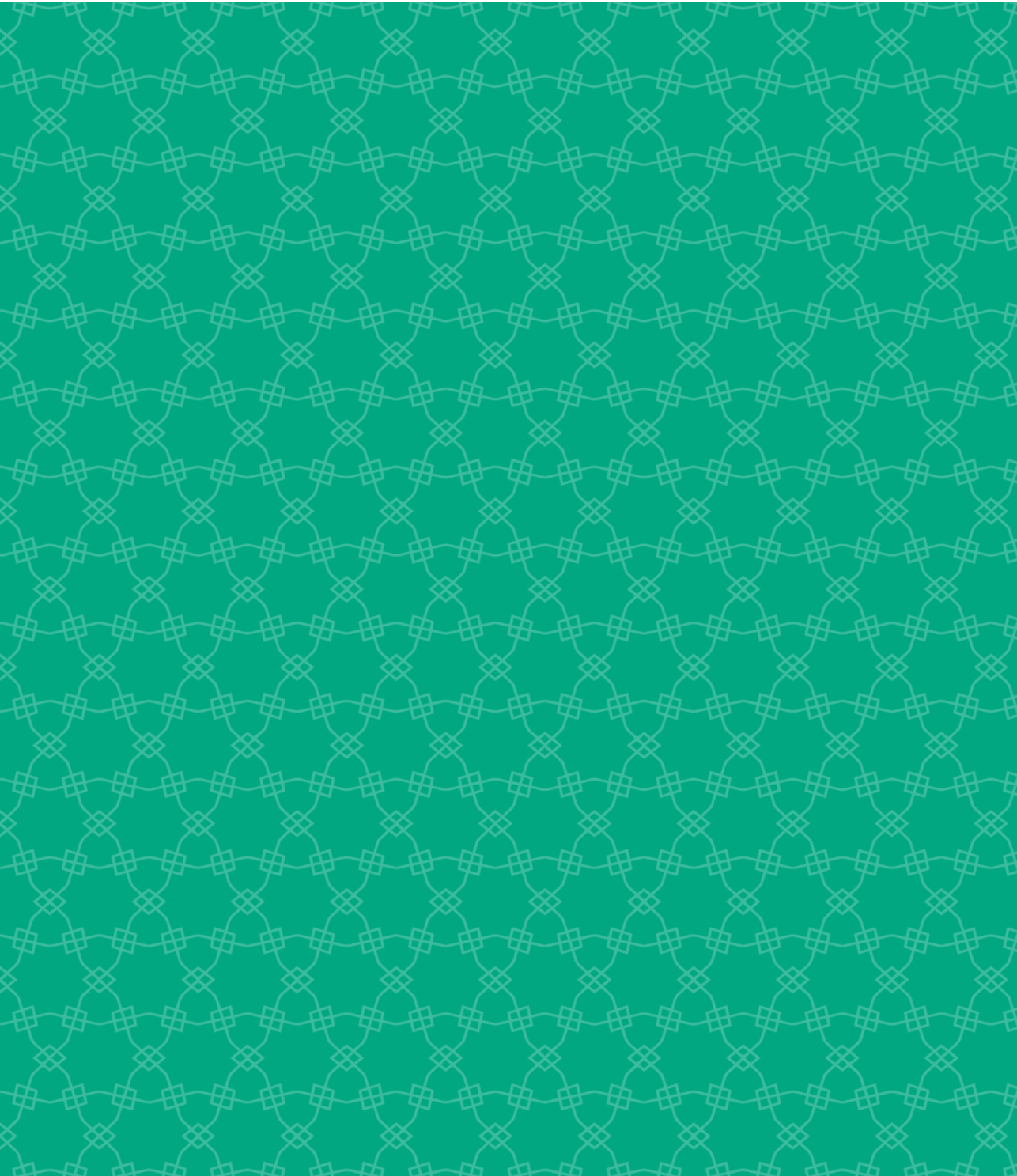
پیش درآمد

در دنیای پیچیده و پویای کسب و کار امروز، بهبود محیط کسب و کار به عنوان یکی از عوامل کلیدی در توسعه اقتصادی و اجتماعی کشورها شناخته می‌شود. با توجه به ناترازی‌های گسترده‌ای که در امور مختلف تحت هدایت دولت وجود دارد شاید تنها راه حل تحقق رشد اقتصادی مورد هدف برنامه هفتم، توجه به افزایش بهره‌وری بخش خصوصی باشد و مهم‌ترین نقش را در این خصوص توسعه کسب و کارهای کشور بازی می‌کند. محیط کسب و کار تنها با همکاری و تعامل مؤثر نقش آفرینان مختلف می‌تواند بهبود یابد و به توسعه پایدار منجر شود. از این رو، در این نشست تلاش شده است تا به درک بهتری از نقش آفرینان مختلف رسیده شود و تأثیرات آن‌ها مورد بررسی قرار گیرد.



برخی از سوابق مدیریتی و اجرایی سخنران نشست (دکتر فرج اله رهنورد)

دکتری مدیریت دولتی و ختم‌شده عمومی از دانشگاه فلیندرز - استرالیا | معاون آموزشی مؤسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه‌ریزی ۸۷-۱۳۸۳ | مدیرکل دفتر ارزشیابی و الگوهای آموزشی مرکز آموزش مدیریت دولتی | مدیرگروه مدیریت دولتی مؤسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه‌ریزی ۸۱-۱۳۸۳ | عضو هیئت علمی مؤسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه‌ریزی | مشاور رئیس مرکز آموزش مدیریت دولتی | عضو هیئت ممیزه مؤسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه‌ریزی ۹۸-۱۳۹۵ | رئیس کمیته ترفیعات و دبیر کمیته منتخب مؤسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه‌ریزی ۸۸-۱۳۸۳ | رئیس کمیته دولت و مردم مجمع تشخیص مصلحت نظام ۹۰-۱۳۸۸ | عضو کمیته جذب اعضای هیئت علمی مؤسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه‌ریزی ۹۸-۱۳۹۲ | عضو شورای پژوهشی مؤسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه‌ریزی ۸۸-۱۳۸۳ | عضو شورای انتشارات مؤسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه‌ریزی ۸۸-۱۳۸۳ | عضو شورای تحصیلات تکمیلی مؤسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه‌ریزی ۹۸-۱۳۹۴ | عضو شورای علمی مؤسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه‌ریزی ۹۸-۱۳۹۴ | عضو هیئت تحریریه فصلنامه فرایند مدیریت و توسعه مؤسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه‌ریزی ۱۳۸۰ تاکنون | عضو هیئت تحریریه فصلنامه مدیریت بهره‌وری دانشگاه آزاد تبریز ۱۳۹۳ تاکنون | سردبیر فصلنامه فرایند مدیریت و توسعه مؤسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه‌ریزی ۱۳۹۵ تاکنون | سردبیر فصلنامه مطالعات منابع انسانی دانشگاه شهید ستاری ۹۹-۱۳۹۳ | سردبیر فصلنامه نوآوری در سازمان‌های دفاعی دانشگاه شهید ستاری ۱۳۹۶ تاکنون | مدیرگروه پژوهشی تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری مؤسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه‌ریزی ۸۸-۱۳۸۳ | عضو کارگروه واژه‌گزینی مدیریت مؤسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه‌ریزی ۱۳۹۴ تاکنون | عضو شورای راهبردی توسعه مدیریت استانداری تهران ۱۳۹۶ تاکنون | عضو هیئت اجرایی اعضای غیر هیئت علمی مؤسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه‌ریزی ۱۳۹۲ تاکنون |





بخش اول: مقدمه و معرفی موضوع نشست



دکتر جواد حسین زاده

معاون بهبود فضای کسب و کار مؤسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه‌ریزی

سلام و خوش آمدید به همه حضار محترم؛

از حضور و مشارکت شما در این نشست تخصصی بسیار سپاسگزاریم. از همه عزیزانی که به شکل حضوری و همچنین از طریق مجازی در این نشست شرکت نموده‌اند تشکر می‌کنیم. قصد داریم مجموعه نشست‌هایی در حوزه بهبود محیط کسب و کار و با تمرکز بر موضوع توسعه کسب و کارهای کشور برگزار نماییم و امیدوارم با همکاری و استقبال شما عزیزان، این نشست‌ها نقش خوبی در ارتقای آگاهی و هم‌افزایی ذی‌نفعان حوزه کسب و کار کشور داشته باشد. نشست جاری با عنوان "تحلیل نقش آفرینان حوزه بهبود محیط کسب و کار در ایران با رویکرد نهادی" است.

سخنران و اعضای محترم پنل را معرفی می‌کنم، جناب آقای دکتر رهنورد استاد بنده و عضو هیئت علمی مؤسسه هستند و اعضای محترم پنل آقای دکتر علاءالدین ازوجی با سمت رئیس امور اقتصاد کلان سازمان برنامه و بودجه کشور و آقای فلاح دوست معاون رئیس مرکز ملی مطالعات، پایش و بهبود وزارت امور اقتصادی و دارایی و بنده هم جواد حسین زاده معاون بهبود فضای کسب و کار مؤسسه هستیم.

یکی از عوامل کلیدی در توسعه اقتصادی و اجتماعی کشورها، بهبود محیط کسب و کار شناخته شده است. تحقق توسعه و رشد اقتصادی طبق اهداف برنامه هفتم، مرهون افزایش بهره‌وری بخش خصوصی است که مهم‌ترین نقش را در این خصوص توسعه کسب و کارهای کشور بازی می‌کند.

محیط کسب و کار تنها با همکاری و تعامل مؤثر نقش آفرینان مختلف می‌تواند بهبود یابد و به توسعه پایدار منجر شود. از این رو، در این نشست تلاش خواهیم کرد تا به درک بهتری از نقش آفرینان مختلف برسیم و تأثیرات آن‌ها را بررسی کنیم.

نقش آفرینان اصلی این حوزه شامل دولت، بخش خصوصی و نهادهای غیرانتفاعی هستند. دولت‌ها با ایجاد و اجرای سیاست‌ها و مقررات حمایتی، تأمین زیرساخت‌های اساسی،

حمایت از نوآوری و تحقیق و توسعه، و تقویت روابط بین‌المللی، نقش حیاتی در بهبود محیط کسب و کار ایفا می‌کنند.

بخش عمومی یا دولت، نقش بسیار مهمی در ایجاد و حفظ یک محیط کسب و کار سالم و پویا دارد. این نقش از طریق سیاست‌گذاری‌ها، قوانین و مقررات، سرمایه‌گذاری‌ها و حمایت‌ها از بخش خصوصی محقق می‌شود. برخی از نقش‌های بخش عمومی در بهبود محیط کسب و کار عبارت‌اند از: ایجاد محیطی امن و باثبات برای فعالیت‌های اقتصادی، تأمین زیرساخت‌های لازم شامل زیرساخت‌های فیزیکی (راه‌سازی، انرژی، ارتباطات) و زیرساخت‌های نرم‌افزاری (نظام بانکی و مالی)، حمایت از رقابت سالم با ایجاد قوانین ضد انحصار و حمایت از رقابت، تسهیل تجارت از طریق ساده‌سازی فرایندهای اداری، کاهش هزینه‌های کسب و کار و تسهیل تجارت خارجی، تأمین نیروی کار ماهر از طریق سرمایه‌گذاری در آموزش و پرورش و توسعه مهارت‌های نیروی کار، حمایت از نوآوری و فناوری از طریق حمایت از تحقیق و توسعه، ایجاد پارک‌های علم و فناوری و تسهیل دسترسی به فناوری‌های جدید با هدف ارتقای نوآوری و رقابت‌پذیری.

اهداف اصلی که بخش عمومی در بهبود محیط کسب و کار دنبال می‌کند، عبارت است از: تأمین کالاها و خدمات عمومی به صورت کارآمد، توزیع عادلانه درآمد از طریق سیاست‌های مالیاتی و برنامه‌های حمایتی، ثبات اقتصادی (کنترل تورم، کاهش نرخ بیکاری و ترویج رشد اقتصادی پایدار) با استفاده از ابزارهای سیاستی مانند سیاست‌های پولی و مالی مناسب، تنظیم بازار و جلوگیری از انحصار و رقابت ناعادلانه با وضع قوانین و مقررات لازم.

قوانین و مقررات زیادی در حوزه بهبود فضای کسب و کار تدوین شده است. در کشور ما حداقل پنج قانون مستقیم در حوزه بهبود فضای کسب و کار داریم. ان شاء الله در نشست‌های بعدی با کمک شما بتوانیم تمرکز بیشتری روی قوانین داشته باشیم. این قوانین شامل قانون بهبود مستمر محیط کسب و کار در سال ۱۳۹۰، قانون تأمین مالی تولید سال ۱۴۰۲ که اخیراً ابلاغ شده، قانون رفع موانع تولید رقابت‌پذیر و ارتقای نظام مالی کشور. از جمله کارهایی که ما در مؤسسه و همکارانمان که در وزارت اقتصاد و سایر ذینفعانی که در این حوزه هستند می‌توانیم با تعامل بیشتری انجام بدهیم، پایش این قوانین و افزایش اثربخشی آن‌ها است.

بخش خصوصی هم وظایف و نقش‌های زیادی دارد که شامل نوآوری و توسعه فناوری بخش خصوصی می‌شود. معمولاً بخش خصوصی پیشرو در توسعه فناوری‌های جدید

و محصولات نوآورانه در بحث ایجاد اشتغال می‌تواند با ایجاد کسب‌وکارهای جدید و گسترش فعالیت‌های موجود در کشورمان باعث افزایش اشتغال شود و اثر قابل توجهی در افزایش بهره‌وری داشته باشد.

با توجه به اینکه محدودیت‌هایی در تأمین سرمایه داریم و تشکیل سرمایه در کشور مدت طولانی رشد قابل توجهی نداشته است، باید از محل بهره‌وری به اهداف تدوین شده برای رشد اقتصادی در برنامه هفتم برسیم.

نقش دیگر بحث تأمین مالی و سرمایه‌گذاری در پروژه‌های مختلف است. نقش‌های زیادی برای بخش خصوصی ترسیم شده، به همین دلیل هم هست که در اغلب برنامه‌ها از جمله برنامه هفتم پیشرفت، توجه ویژه‌ای به بخش خصوصی و بهبود فضای کسب‌وکار شده است. اهداف اصلی که بخش خصوصی در بهبود محیط کسب‌وکار دنبال می‌کند، عبارت است از: افزایش سودآوری، رشد و توسعه مستمر، حفظ بقا در بازار رقابتی، آگاهی از مسئولیت اجتماعی و ایجاد ارزش افزوده برای جامعه.

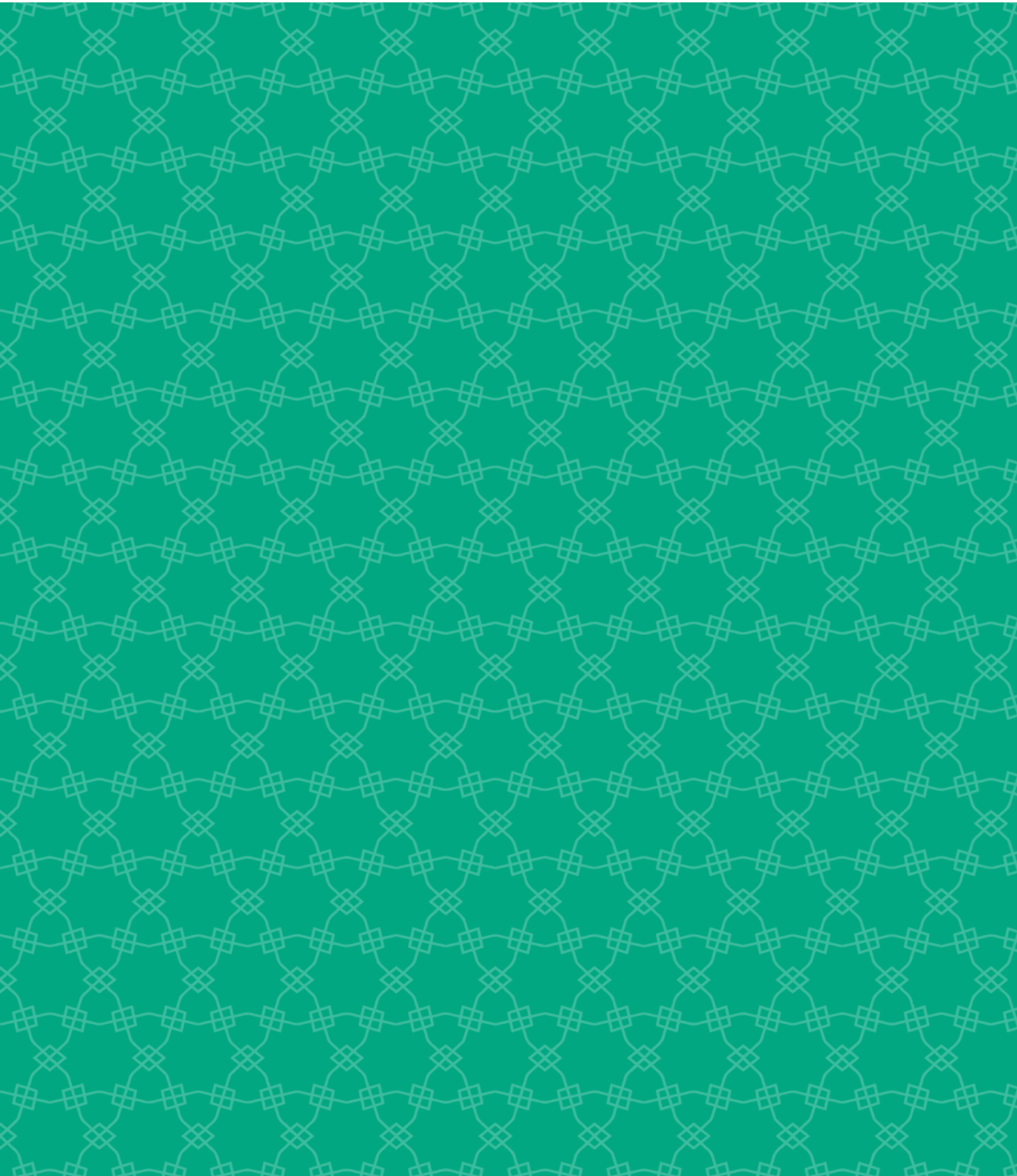
نهادهای غیرانتفاعی نیز با تمرکز بر مسائل اجتماعی، محیط زیستی و توسعه پایدار می‌توانند به شکل‌های مختلفی به بهبود محیط کسب‌وکار کمک کنند. این نهادها با ترویج مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها، توسعه مهارت‌های نیروی کار، حمایت از کسب‌وکارهای کوچک و متوسط، حفاظت از محیط زیست، ترویج نوآوری و تقویت جامعه مدنی، نقش بسیار مهمی در بهبود محیط کسب‌وکار ایفا می‌کنند.

فرصت‌ها و چالش‌هایی در نقش‌آفرینی هر یک از این بخش‌ها وجود دارد. دولت‌ها با بوروکراسی پیچیده و ناهماهنگی بین نهادها مواجه‌اند، درحالی‌که بخش خصوصی با چالش‌هایی مانند تأمین منابع مالی و رقابت شدید روبرو است. نهادهای غیرانتفاعی نیز با محدودیت‌های مالی و نیاز به حمایت‌های مالی و پایداری پروژه‌ها مواجه‌اند. برای بهره‌برداری کامل از فرصت‌ها و غلبه بر این چالش‌ها، همکاری و تعامل مؤثر بین نقش‌آفرینان مختلف ضروری است.

به منظور بهبود تعامل بین نقش‌آفرینان به راهکارهای زیر می‌توان اشاره کرد: ایجاد پلتفرم‌های مشترک برای گفت‌وگو و تبادل نظر، تدوین و اجرای پروژه‌های مشترک و تقویت شبکه‌های ارتباطی. این اقدامات می‌توانند به ایجاد هم‌افزایی و همکاری مؤثر بین نقش‌آفرینان کمک کنند و به بهبود محیط کسب‌وکار منجر شوند.

شاخص‌های جهانی کسب‌وکار شامل معیارهایی مانند سهولت انجام کسب‌وکار و اخیراً شاخص آمادگی کسب‌وکار است که توسط بانک جهانی جمع‌آوری، تدوین و منتشر

می‌شود. میزان شفافیت قوانین و مقررات، سطح فساد، دسترسی به منابع مالی و حمایت از حقوق مالکیت، بحث‌های مهمی هستند که در این شاخص‌ها پیگیری می‌شود. این شاخص‌ها نقش مهمی در تعیین جذابیت یک کشور برای سرمایه‌گذاری و توسعه اقتصادی دارند. هدف این نشست، تحلیل و بررسی نقش آفرینان مختلف در بهبود این شاخص‌ها است. با بهبود همکاری‌ها و تعاملات بین نقش آفرینان دولتی، بخش خصوصی و نهادهای غیرانتفاعی، می‌توانیم محیط کسب و کار را تقویت کرده و جایگاه کشور را در شاخص‌های جهانی ارتقا دهیم. این تلاش‌ها نه تنها به جذب سرمایه‌گذاری‌های بیشتر منجر می‌شود، بلکه به توسعه پایدار و بهبود کیفیت زندگی نیز کمک می‌کند. در پایان، از همه شما حضار محترم تشکر می‌کنم که با حضور خود در این نشست، به ارتقای دانش و تبادل تجربیات در حوزه بهبود محیط کسب و کار کمک می‌کنید. امیدوارم که این نشست بتواند دیدگاه‌های جدیدی را برای شما به ارمغان بیاورد و راهکارهای مؤثری برای بهبود محیط کسب و کار فراهم سازد. با ذکر صلوات بر محمد و آل محمد بحث را خدمت آقای دکتر رهنورد تقدیم می‌کنیم.





بخش دوم: سخنرانی



دکتر فرج‌الره‌نورد

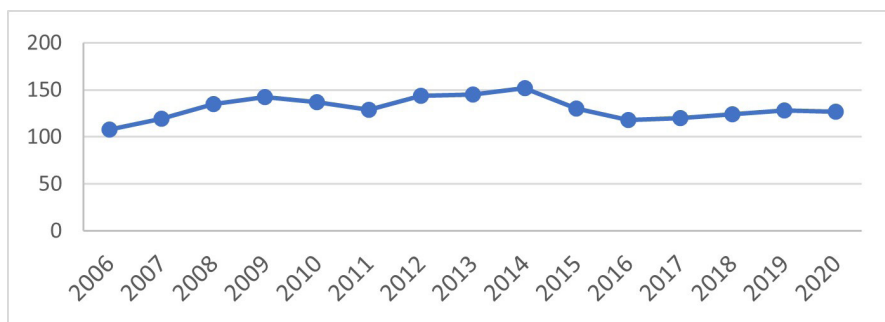
عضو هیئت علمی مؤسسه عالی آموزش و پژوهش
مدیریت و برنامه‌ریزی | سخنران نشست

بسم الله الرحمن الرحيم

باتشکر از آقای دکتر حسین‌زاده و همکارانشان که این فرصت را فراهم کردند تا مفاهمی در خصوص مسائل و مشکلاتی که در حوزه بهبود محیط کسب‌وکار در ایران وجود دارد، داشته باشیم. من یک موضوع خیلی محدودی را سعی کردم در این زمینه انتخاب کنم و آن توجه به اتاق‌های فکر است که در حوزه بهبود محیط کسب و کار شکل گرفته‌اند و ممکن است در آینده هم شاهد باشیم که به این لیست، اتاق‌های دیگری اضافه شوند. برای ورود به مطلب هر چند که تکراری هست ولی سریع نظرتان را جلب می‌کنم به مسائلی که در این حوزه وجود دارد. خط‌مشی بهبود محیط کسب‌وکار از دهه ۱۳۹۰ در ایران با وضع قانون بهبود مستمر محیط کسب‌وکار (۱۳۹۰)، قانون رفع موانع تولید رقابت‌پذیر و ارتقای نظام مالی کشور (۱۳۹۴)، قانون تسهیل صدور مجوزهای کسب‌وکار (۱۴۰۱)، قانون تأمین مالی تولید و زیرساخت‌ها (۱۴۰۳) شروع شده است. در ضمن، در قوانین برنامه‌های توسعه نیز برخی از احکام تکلیفی برای سهولت انجام کسب‌وکار پیش‌بینی شده است. به عنوان مثال، در قانون برنامه ششم توسعه دولت مکلف به انجام اقدامات زیر شده بود:

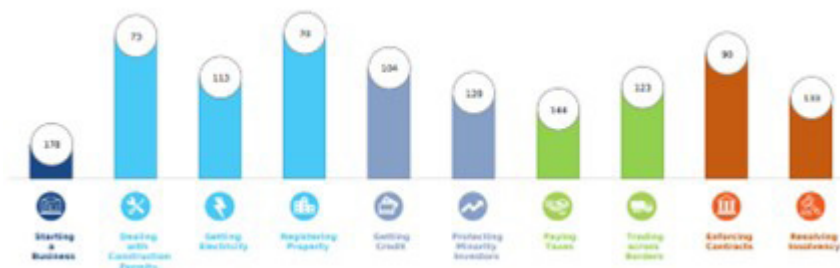
- ❏ اصلاح قوانین، مقررات و رویه‌های محیط کسب‌وکار با هدف تسهیل و شفاف‌سازی
- ❏ ارتقای جایگاه ایران در شاخص رقابت‌پذیری بین‌المللی (Global Competitiveness Index) و شاخص‌های بین‌المللی حقوق مالکیت (International Property Rights index) در میان کشورهای منطقه به رتبه سوم طبق سند چشم‌انداز
- ❏ ارتقای جایگاه ایران در شاخص کسب‌وکار هر سال ده رتبه و رساندن آن به کمتر از هفتاد در پایان اجرای قانون برنامه
- ❏ تهیه الزامات ارتقای امنیت فضای کسب‌وکار با همکاری سازمان اداری و استخدامی کشور، معاونت علمی و فناوری رئیس‌جمهور، وزارتخانه‌های تعاون، کار و رفاه اجتماعی، امور خارجه، اطلاعات، دادگستری و کشور و تصویب آن در شورای عالی امنیت ملی.

در عمل روند سهولت انجام کسب و کار در ایران به سوی بدتر شدن است. همان طور که در نمودار ۱ دیده می شود، در سال ۲۰۱۹ بر اساس رتبه بندی سالانه بانک جهانی، ایران از نظر سهولت کسب و کار در بین ۱۹۰ اقتصاد در رتبه ۱۲۷ قرار دارد. رتبه ایران از ۱۲۸ در سال ۲۰۱۸ به ۱۲۷ در سال ۲۰۱۹ ارتقا یافته است. رتبه سهولت انجام کسب و کار در ایران از سال ۲۰۰۸ تا ۲۰۱۹ به طور متوسط ۱۳۳٫۵ بوده است که به بالاترین رتبه ۱۵۲ در سال ۲۰۱۲ و پایین ترین رکورد ۱۱۷ در سال ۲۰۱۵ رسیده است. مطابق آخرین آمارها در سال ۲۰۲۰ رتبه ایران ۱۲۷ با نمره خام ۵۸٫۵ بوده است.



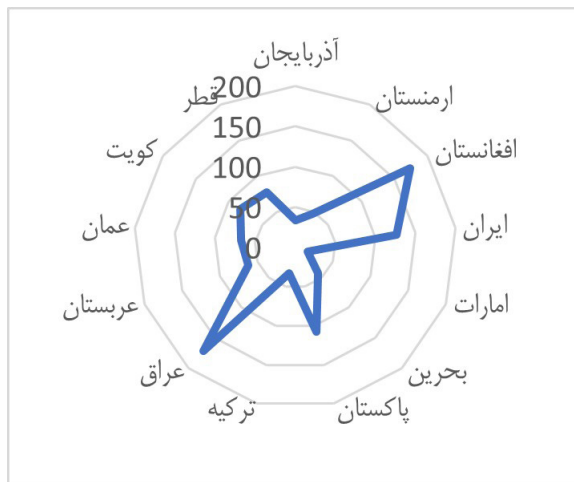
نمودار ۱. روند رتبه ایران در شاخص سهولت انجام کسب و کار

همان طور که در نمودار ۱ دیده می شود، رتبه ایران در شاخص سهولت انجام کسب و کار هیچ وقت به زیر ۱۰۰ نرسیده است و چنین روندی مایه نگرانی جدی در فضای رقابت منطقه ای برای جذب سرمایه های خارجی است. رتبه مؤلفه های سهولت انجام کسب و کار ایران در گزارش کشوری سال ۲۰۲۰ مطابق نمودار ۲ است.



نمودار ۲. مؤلفه های شاخص سهولت انجام کسب و کار: ایران ۲۰۲۰

درضمن، رتبه ایران در شاخص سهولت انجام کسب‌وکار در مقایسه با کشورهای همسایه در نمودار ۳ منعکس شده‌است.



نمودار ۳. مقایسه رتبه سهولت انجام کسب‌وکار ایران با کشورهای همسایه در سال ۲۰۲۰

همان‌طور که در نمودار دیده می‌شود، ایران با رتبه ۱۲۷ تنها از افغانستان و عراق وضع بهتری دارد، در حالی که امارات با رتبه ۱۶ و ترکیه و آذربایجان به ترتیب با رتبه ۳۳ و ۳۴ در جایگاه بهتری نسبت به دیگر کشورهای همسایه ایران قرار دارند.

بهترنشدن شاخص سهولت انجام کسب‌وکار در شرایطی اتفاق افتاده است که دولت در قانون برنامه ششم توسعه تلاش داشته تا جایگاه ایران را به کمتر از ۷۰ در پایان اجرای قانون برنامه برساند. علت چنین ناکامی به موانع اجرایی سازی خط مشی بهبود محیط کسب‌وکار برمی‌گردد. بنابراین، اتاق‌های فکر در بخش دولتی که در حوزه بهبود محیط کسب‌وکار فعال هستند باید در کنار سنجش آمادگی کسب‌وکارها به شناسایی عوامل بازدارنده اجرای خط مشی بهبود محیط کسب‌وکار بپردازند.

باید در نظر داشت که شاخص آمادگی کسب‌وکار (Business Ready) در سال ۲۰۲۳ جایگزین شاخص سهولت انجام کسب‌وکار شد. شاخص آمادگی کسب‌وکار، پروژه جدید گردآوری و تحلیل داده‌های گروه بانک جهانی برای ارزیابی فضای کسب‌وکار و سرمایه‌گذاری در سراسر جهان است. این ابزار کلیدی استراتژی جدید گروه بانک

جهانی برای تسهیل سرمایه‌گذاری خصوصی، ایجاد اشتغال و بهبود بهره‌وری برای کمک به اقتصادها برای تسریع توسعه به روش‌های فراگیر و پایدار است. این شاخص نشان‌دهنده رویکردی متعادل‌تر و شفاف‌تر برای ارزیابی فضای کسب‌وکار و سرمایه‌گذاری اقتصادی است که بر اساس توصیه‌های صدها کارشناس از داخل و خارج از گروه بانک جهانی، از جمله دولت‌ها، بخش خصوصی و سازمان‌های جامعه مدنی است. آمادگی کسب‌وکار یک ارزیابی کمی از محیط کسب‌وکار به صورت سالانه و پوشش جهانی ارائه می‌دهد.

آمادگی کسب‌وکار بر اساس موضوعات ضروری برای توسعه بخش خصوصی طراحی شده است که مربوط به مراحل مختلف چرخه حیات یک شرکت و مشارکت آن در افتتاح، عملیات (گسترش) و بسته‌شدن (سازماندهی مجدد) یک کسب‌وکار است (شکل ۱). مؤلفه‌های ۱۰ گانه این شاخص عبارت‌اند از: ورود به کسب‌وکار، محل کسب‌وکار، خدمات آب و برق، نیروی کار، خدمات مالی، تجارت بین‌المللی، مالیات‌بندی، حل اختلاف، رقابت در بازار، و ورشکستگی کسب‌وکار. در ضمن، برای هر مؤلفه، آمادگی کسب‌وکار سه رکن را در نظر می‌گیرد: رکن ۱، چارچوب تنظیم‌گری مقررات؛ رکن ۲، خدمات عمومی؛ و رکن ۳، کارایی عملیاتی.

۱. رکن اول (چارچوب تنظیم‌گری مقررات): شامل قوانین و مقرراتی است که شرکت‌ها باید هنگام افتتاح، عملیات (گسترش) و بستن (سازماندهی مجدد) یک کسب‌وکار از آن‌ها پیروی کنند. نماگرهای این رکن بین قوانین و مقرراتی که شفافیت، انصاف و پایداری محیط کسب‌وکار را ترویج می‌کنند و آن‌هایی که به‌طور غیرضروری مانع از فعالیت کارآفرینی می‌شوند، تمایز قائل می‌شوند.

۲. رکن دوم (خدمات عمومی): شامل تسهیلاتی است که دولت‌ها برای حمایت از مؤسسات و زیرساخت‌هایی که فعالیت‌های کسب‌وکار را امکان‌پذیر می‌کنند فراهم می‌کند. نماگرهای این رکن به محیط کسب‌وکار در حوزه‌های مرتبط با چرخه عمر شرکت محدود می‌شود. آن‌ها بر جنبه‌هایی مانند دیجیتالی شدن، قابلیت همکاری و شفافیت تأکید دارند.

۳. رکن سوم (کارایی عملیاتی): نشانگر سهولت انطباق با چارچوب نظارتی و استفاده مؤثر از خدمات عمومی است که به‌طور مستقیم به شرکت‌ها مرتبط است.



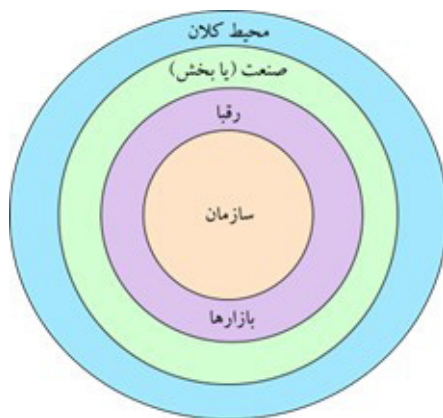
شکل ۱. ارتباط مؤلفه‌های شاخص آمادگی کسب‌وکار با مراحل مختلف چرخه حیات یک شرکت

هنوز ایران در این گزارش مورد مطالعه قرار نگرفته است و قرار است در سال ۲۰۲۶ وارد این گزارش شود. بنابراین بحث ما این هست که حالا باید خودمان را در آینه این شاخص ارزیابی کنیم و ببینیم که چه جایگاهی داریم و خواهیم داشت و آیا می‌توانیم آن را بهبود ببخشیم یا نه. استفسون (۲۰۱۹) کسب‌وکار را این‌گونه تعریف می‌کند: تولید یا خرید و فروش منظم کالا یا خدمات با هدف انتفاعی و غیرانتفاعی از طریق ارضای خواسته‌های انسان که اگر این تعریف را در نظر داشته باشیم باید توجه کنیم که کسب‌وکار فعالیت اقتصادی است که با تولید و خدمات به نیازهای محیطی واکنش نشان می‌دهد و کسب‌وکار لزوماً در خلأ شکل نمی‌گیرد و تحت تأثیر عوامل محیطی به صورت طبیعی قرار می‌گیرد. این محیط خودش به دودسته محیط داخلی و خارجی تقسیم می‌شود که هم در محیط داخلی عوامل بازدارنده‌ای وجود دارند که می‌توانند مانع تحقق اهداف مربوط به بهبود کسب‌وکار شوند و هم در محیط خارجی.

از این نظر اگر دوباره به محیط کسب‌وکار توجه کنیم، می‌بینیم که ماده یک قانون بهبود محیط کسب‌وکار، محیط کسب‌وکار را به این شکل تعریف کرده است: مجموع عوامل مؤثر در اداره و عملکرد بنگاه‌های تولیدی که خارج از کنترل مدیران است.

این تعریف یک تعریف ناقصی است، چرا؟ چون تنها ناظر بر محیط خارجی است. اگر ما محیط را درست تحلیل نکنیم، ممکن است از بخش‌هایی از محیط که می‌توانند نقش بازدارنده داشته باشند، غافل شویم.

ملاحظه می‌فرمایید در شکل زیر محیط به دودسته تقسیم می‌شود: محیط داخلی و محیط خارجی و محیط خارجی شامل محیط خرد یا همان محیط صنعتی معروف است و محیط کلان که محیط فراصنعتی هست و محیط داخلی هم به مجموعه عوامل داخل سازمان در کسب‌وکارها برمی‌گردد.



شکل ۲. لایه‌های محیط کسب و کار

نکته جالب این است که در تحلیل محیط‌ها یک تفکر سنتی وجود دارد که مثلاً در تحلیل محیط خارجی دنبال شناسایی فرصت‌ها و تهدیدهای خارجی باشیم یا در

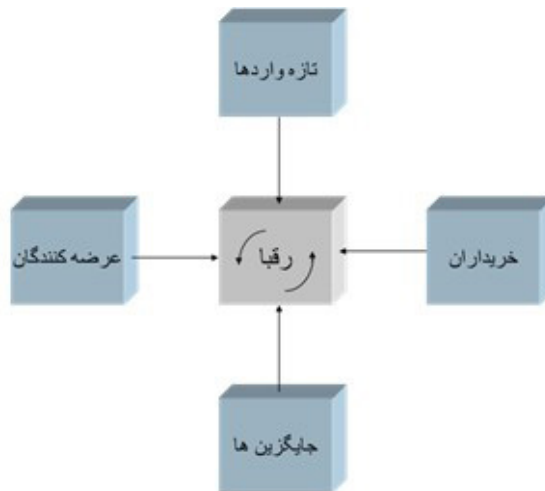
محیط داخلی دنبال شناسایی نقاط قوت و ضعف باشیم و از این طریق سعی می‌کنند محیط را تحلیل کنند و به مفهوم تدوین استراتژی‌هایی که باید دنبال شود، اقدام کنند. ولی یک مفهوم جدیدی از محیط وجود دارد و اینکه محیط مترادف ذی‌نفعان است. یعنی آن چیزی که محیط را شکل می‌دهد ذی‌نفعان هستند که نقش‌های مختلفی را ایفا می‌کنند. بعضی از این افراد ممکن است باتوجه به منافعی که دارند در نقش مخالف خط‌مشی ظاهر شوند و بخشی از آن‌ها ممکن است موافق خط‌مشی باشند.

در این مفهوم از این زاویه به موضوع نگاه می‌کنیم که محیط را مترادف نقش آفرینان در نظر می‌گیریم و نقش آفرینان چه در بخش دولتی، چه در بخش خصوصی و چه در جامعه مدنی باتوجه به آن جایگاه و قدرتی که دارند می‌توانند در نقش بازدارنده ظاهر شوند یا در نقش جلوبرنده ظاهر شوند و مجموعه آن‌ها برآیندی را شکل می‌دهد که وضع موجود را تشکیل می‌دهد و ما نیز با این نگاه، محیط را می‌بینیم. اگر محیط صنعتی را در نظر بگیریم یک مدلی به نام مدل نیروهای پنج‌گانه پورتر هست که قطعاً همه بزرگواران

”
**محیط را مترادف
 نقش آفرینان در نظر
 می‌گیریم و نقش آفرینان
 چه در بخش دولتی، چه
 در بخش خصوصی و چه
 در جامعه مدنی باتوجه
 به آن جایگاه و قدرتی که
 دارند می‌توانند در نقش
 بازدارنده ظاهر شوند یا
 در نقش جلوبرنده ظاهر
 شوند و مجموعه آن‌ها
 برآیندی را شکل می‌دهد
 که وضع موجود را تشکیل
 می‌دهد**

“

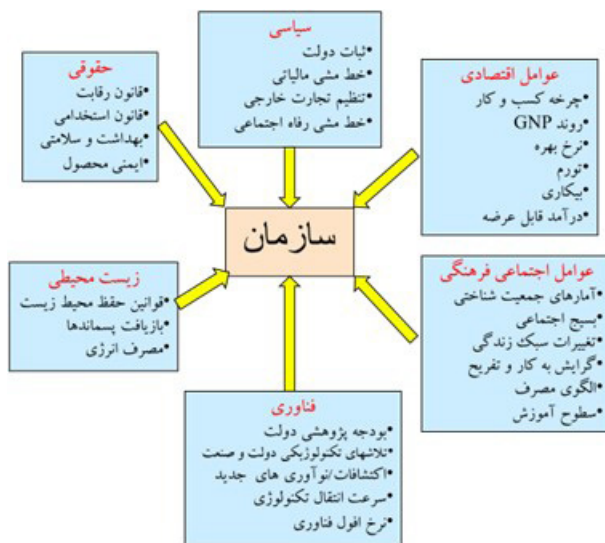
آشنایی دارند که توصیه می‌کنم به نقش آفرینان که به نام اسم رقبای یک صنعت شناخته می‌شوند. وقتی رقبا را تحلیل کنید می‌بینید که شدت رقابت آن‌ها چگونه است. خریداران و تأمین‌کنندگان را تحلیل کنید و ببینید که قدرت چانه‌زنی آن‌ها در چه وضعیتی است. تازه‌واردها و جایگزین‌ها را تحلیل کنید و ببینید که چقدر می‌توانند برای شما تهدیدآمیز باشند و متناسب با استراتژی‌های خودتان تحلیل کنید.



شکل ۳. تحلیل محیط صنعتی مبتنی بر نیروهای ۵ گانه

سؤال این است که در سطح کلان که دولت قصد دارد فضای مناسبی را برای محیط کسب‌وکار ایجاد کند در محیط صنعتی چه نقشی را باید ایفا کند؟ آیا فقط یک اتاق فکر باید به این موضوع فکر کند یا باید از طریق تقسیم کارهایی که در ادامه به آن‌ها اشاره خواهیم کرد، حمایت را انجام دهد؟ باید بدانیم که در بهبود محیط صنعتی آیا نقش آفرینی‌های ما درست عمل می‌کنند و در بهبود صنایع مختلف آن اقداماتی که صورت گرفته از کفایت لازم برخوردار هستند یا خیر؟ وضعیت اکنون به‌گونه‌ای است که ما با دست خودمان این رقبا را که در صنایع مختلف در حال فعالیت هستند به سمت وسویی می‌بریم که به این نتیجه برسند که از صنایع خارج شوند و سرمایه خودشان را به خارج از کشور انتقال دهند. غیر از محیط صنعتی، در محیط کلان که محیط فراصنعتی است و امکان تغییر آن برای شرکت‌های فعال در هر کسب‌وکاری میسر نیست، نقش دولت در بهبود فضای کسب و کار چیست؟ از این رو، راهبرد سازگاری با محیط کلان باید مدنظر شرکت‌ها قرار گیرد. یکی از مدل‌های معروف در تحلیل محیط کلان، مدل PESTEL

است. این سرواژه نشانگر محیط سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فناوری، زیست محیطی و حقوقی است. نیازی به توضیح نیست که نقش آفرینان محیط‌های ۶ گانه با تصمیم خود می‌توانند به بهبود محیط کسب و کار و یا محدودسازی آن اقدام کنند. اگر نقش آفرینان فوق‌الذکر به صورت جزیره‌ای و بدون تفکر سیستمی تصمیم‌گیری کنند، طبیعی است که نتیجه آن ممکن است به صورت تصادفی در بهبود محیط کسب و کار تجلی پیدا کند. از این رو باید معیارهایی برای ارتقای کیفی تنظیم‌گری مقررات با رویکرد بهبود محیط کسب و کار تدوین و به اجرا گذاشته شود.

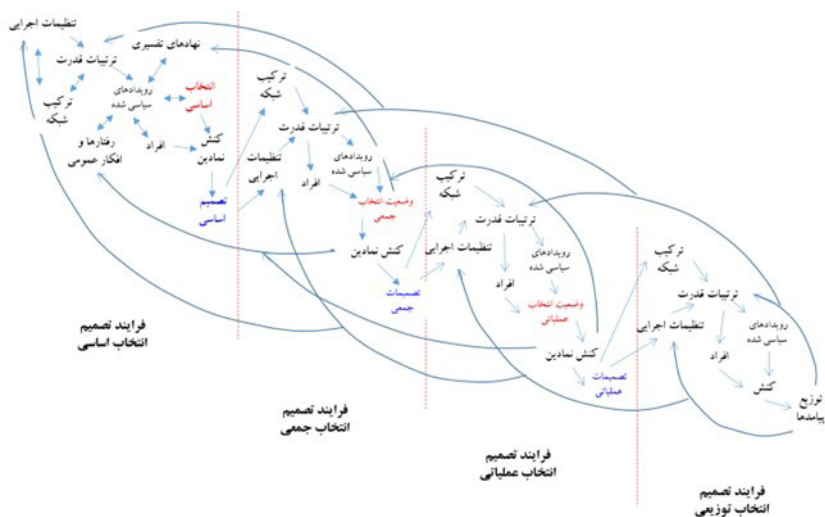


شکل ۴. تحلیل نقش آفرینان محیط کلان مبتنی بر مدل PESTEL

در مورد اصطلاح بهبود محیط کسب و کار، بهبود یعنی بهترشدن چیزی. بهبود محیط کسب و کار عبارت است از اصلاح محیط برای کاهش هزینه‌ها و ریسک فعالیت کسب و کارها از طریق بهبود و تعدیل شرایط محیط خرد و کلان. جایگاه ۱۲۷ ایران در میان ۱۹۰ کشور جهان در شاخص سهولت محیط کسب و کار نشانگر آن است که کسب و کارهای ایران با پدیده بیش‌مقرراتی (Overregulation) مواجه هستند. به سخن دیگر، تدوین مقررات مختلف از سوی نقش آفرینان محیطی با بخشی‌نگری یا نظارتی و مانند اینها به گونه‌ای بوده که نتیجه آن بستن دست و پای کارآفرینان در شروع و ادامه یک کسب و کار است. برای گذار از این وضعیت نامطلوب به فضای نوین کسب و کار، خط مشی بهبود محیط کسب و کار در ایران از دهه ۱۳۹۰ تدوین و شروع شده است. روند رتبه ایران در شاخص بین‌المللی نشان می‌دهد که نتیجه اجرای این خط‌مشی در عمل کمک چندانی

به بهبود محیط کسب و کار نکرده است. دلیل اصلی آن وجود عوامل بازدارنده در اجرایی سازی خط مشی عمومی است. باید در نظر داشت که بازیگران متعددی در اجرایی سازی خط مشی بهبود محیط کسب و کار دخیل هستند.

در ایران خط مشی بهبود محیط کسب و کار در قالب قانون بهبود مستمر محیط کسب و کار، قوانین برنامه‌های توسعه، قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی، مصوبات هیئت وزیران، ستاد فرماندهی اقتصاد مقاومتی، آیین‌نامه‌های اجرایی قوانین مرتبط و مانند اینها تدوین و به اجرا گذاشته شده است. تعدد نقش آفرینان بهبود محیط کسب و کار ایجاب می‌کند که رویکرد مناسبی برای تحلیل نقش آفرینان اجرای خط مشی انتخاب شود. کالیستا (۱۹۹۴) مبنای نهادی برای اجرایی سازی خط مشی را پیشنهاد می‌کند که در شکل ۵ منعکس شده است.



شکل ۵. مبنای نهادی برای اجرایی سازی خط مشی (کالیستا، ۱۹۹۵)

کالیستا (۱۹۹۵) چهار زمینه نهادی را برای اجرای خط مشی عمومی مطرح می‌کند که توجه به آن‌ها باعث می‌شود تا اجرا به طور صحیح و اثربخش اتفاق بیفتد. طبق نظر کالیستا وقتی که شما یک خط مشی را وضع می‌کنید در حقیقت یک تصمیمی می‌گیرید که این تصمیم می‌تواند در سطوح مختلف اتفاق بیفتد. فقط این نیست که در سطح کلان تصمیم بگیرید. بلکه سطح کلان را انتخاب اساسی در نظر گرفته که سطح اول را نشان می‌دهد که یک تعداد عوامل درون‌زا و برون‌زا بر آن اثر دارند. عوامل درون‌زا شامل ترکیب زمینه، ترتیبات قدرت و

تنظیمات اجرایی هستند و عوامل برون‌زا شامل رفتار و افکار عمومی، نهادهای تفسیری و افراد هستند. بعد این تصمیمات به سطح بعدی منعکس می‌شود و همان عوامل درون‌زا و برون‌زا در این سطح هم فعال هستند. این سطح و سطح انتخاب جمعی با هم تعاملات و کنش‌ها و تأثیراتی دارند که می‌تواند تصمیمات متفاوتی را به عنوان خروجی در محیط تحمیل کند. سپس این سطح دوم که سطح انتخاب جمعی است به سطح عملیاتی منتقل می‌شود و سطح عملیاتی نیز همین زمینه‌ها و عوامل درون‌زا و برون‌زا کارکرد خودشان را دارند و کنش‌های متفاوتی را شکل می‌دهند و در نهایت به سطح انتخاب توزیعی می‌رسد. سطح اول انتخاب نهادی ناظر بر جنبه‌های قانونی و نهادی است که توسط بازیگران سیاسی صورت می‌گیرد. سطح انتخاب جمعی ناظر بر سازمان‌های اجرایی و قضایی است. تصمیمات در این مرحله مورد توافق واقع می‌شود. سطح عملیاتی ناظر بر

نهادهای شبه‌دولتی و غیردولتی است که آیین‌نامه‌ها و مقررات اجرایی ناظر بر آن‌ها توسط دولت تصویب می‌شود. سطح چهارم ناظر بر مدیریت ارائه خدمات است و دولت از طریق آن نظارت بر تصمیمات را بر عهده می‌گیرد.

نقش آفرین (Actor) یا بازیگر در لغت شخصی است حقیقی یا حقوقی که در بازی سیاسی یا تجاری و مانند اینها شرکت می‌کند. به سخن دیگر، نقش آفرین، شخصی است که در یک کنش یا فرایند مشارکت می‌کند. در ایران، نقش آفرینان بهبود محیط کسب و کار در سطوح چهارگانه اساسی، جمعی، عملیاتی و توزیعی به شرح زیر هستند:

در سطح اول مقام معظم رهبری، مجلس، قوه قضائیه و شورای هماهنگی قوای سه‌گانه و مانند اینها در حوزه بهبود کسب و کار نقش آفرینی می‌کنند و برخی از این نقش‌ها نقش هدایتی داشته، سیاست‌های کلی وضع می‌کنند، خط‌مشی عمومی وضع می‌کنند یا دادگاه‌های دادرسی تجاری و دادگاه‌هایی مانند آن را در قوه قضائیه شکل می‌دهند. یکی از مشکلات حوزه کسب و کار به همین سطح برمی‌گردد.

چندین سال است که مقام معظم رهبری شعارهای سال را در ارتباط با موضوعات اقتصادی مطرح می‌کند که نشانگر این هست که واقعاً این مسئله به یک دغدغه و نگرانی اصلی در نظام تصمیم‌گیری سطح اساسی کشور تبدیل شده که اگر کسب و کارهای خودمان را بهبود بخشیم می‌توانیم از این ناحیه ضربه بخوریم. به همین دلیل است که می‌بینیم که در یک دهه چندین قانون در حوزه بهبود کسب و کار از طریق مجلس وضع می‌شود که مبین این نگرانی است.



یکی از موضوعاتی که می‌تواند در دستور کار کسانی که در اتاق‌های فکر حوزه بهبود کسب و کار هستند، قرار گیرد، این است که تحلیل درستی از وضعیت این شوراها صورت گیرد تا خودشان به عامل بازدارنده در بهبود کسب و کارها تبدیل نشوند.



همچنین علت اینکه علی‌رغم نهادهای قانونی که وجود دارند؛ ولی دولت باز هم شورای عالی هماهنگی قوای سه‌گانه را تشکیل می‌دهد، نشانگر این دغدغه هست که در سطح اساسی یعنی انتخاب اساسی شکل گرفته است. نتیجه این کار چه بوده است؟ یک مورد این است که در این حوزه شوراهای عالی برای اجرایی کردن خط‌مشی بهبود محیط کسب‌وکار ایجاد کردند. در حالی که این پدیده، خودش مسئله‌آفرین است. در کشور ما شوراهای متعددی شکل گرفته که در رابطه با محیط کسب‌وکار نقش‌آفرینی می‌کنند و در قوانین به نقشی که باید ایفا کنند، تأکید شده است. جالب است بعضی از این شوراهای خود این قوانین شکل گرفته‌اند، مثل شورای گفت‌وگو یا شورای ملی تأمین مالی و مانند اینها که در قوانین اخیر به لیست قبلی اضافه شدند. این شوراهای چه نقشی را قرار است، ایفا کنند و چقدر می‌توانند خودشان محدودکننده باشند؛ بنابراین تعدد بیش از حد این شوراهای عملاً باعث شود که کسانی که به‌عنوان وزیر یا سایر عناوین در شوراهای می‌خواهند شرکت کنند واقعاً فرصت کافی برای شرکت مؤثر و فعال در این شوراهای را نداشته باشند. نتیجه چه می‌شود؟ نتیجه این می‌شود که شوراهای صوری تشکیل می‌شوند. در خیلی از موارد می‌بینیم که از وزرا مثلاً در راهروها امضا گرفته می‌شود، در حالی که شخص دیگری تصمیم‌گیری کرده است؛ بنابراین اگر شوراهای به این شکل تشکیل شوند، پس فلسفه وجودی خودشان را از دست داده‌اند. من اسم این پدیده را سندرم شورایی گذاشته‌ام، چون خودش مسئله ایجاد کرده است. به‌عنوان مثال در قانون بهبود محیط کسب‌وکار برای شورای گفت‌وگو، یک شورای راهبری محیط کسب‌وکار ایجاد شده است. آیا فکر می‌کنیم که به‌عنوان کسانی که نقش‌آفرینان در انتخاب اساسی هستیم، کافی است که یک قانونی وضع بکنیم و در آنجا یک شورایی ایجاد بکنیم و بعد بگوییم شورای فلان کار را انجام بده و بعد برای این که شورای را تشکیل بدهیم خودش یک زمانی ببرد و دست‌وپای ما را ببندد حتی در مواردی که به تصمیم‌گیری‌های سریع نیاز داریم.

حالا از پدیده تعارض منافع بگذریم که در این شوراهای اتفاق می‌افتد و فقدان سازوکار پاسخگویی که یک مسئله کلیدی است که چه کسی در مقابل تصمیماتی که در شوراهای بخصوص در حوزه بهبود کسب‌وکار گرفته می‌شود، باید پاسخگو باشد و اگر ناشی از تصمیمات نادرستی که در این شوراهای گرفته می‌شود ضربه‌ای به کسب‌وکارهای کشور وارد بشود، چه کسی باید پاسخگو باشد؟ بنابراین یکی از موضوعاتی که می‌تواند در دستور کار کسانی که در اتاق‌های فکر حوزه بهبود کسب‌وکار هستند، قرار گیرد، این است که تحلیل درستی از وضعیت این شوراهای صورت گیرد تا خودشان به عامل بازدارنده در بهبود کسب‌وکارها تبدیل نشوند. فرایند تصمیم‌گیری شورایی، در برخی از موارد پدیده تعارض منافع را در بخش عمومی دامن

زده است. به نقش شوراهای عالی در شکل دهی به پدیده بیش مقرراتی نیز باید توجه کرد. شوراهای زیر در اجرای خط مشی بهبود محیط کسب و کار در قوانین وضع شده، ملزم به اتخاذ تصمیماتی شده اند که خود نوعی وضع مقررات در سطح انتخاب جمعی است که رعایت آنان از سوی نقش آفرینان در سطح عملیاتی خود، آزادی عمل کسب و کارها را کاهش داده و باعث افزایش پیچیدگی محیط کسب و کار می شود:

قانون بهبود مستمر محیط کسب و کار

- ❑ شورای گفتگو/شورای راهبری بهبود محیط کسب و کار
- ❑ شورای اصناف کشور
- ❑ شورای عالی استان ها
- ❑ شورای رقابت
- ❑ شورای پول و اعتبار
- ❑ شورای تأمین استان
- ❑ قانون تسهیل صدور مجوزهای کسب و کار
- ❑ شورای رقابت
- ❑ شورای پول و اعتبار

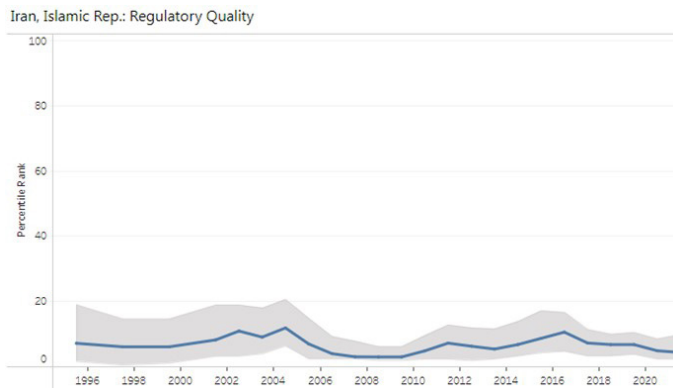
قانون رفع موانع تولید رقابت پذیر و ارتقای نظام مالی کشور

- ❑ ستاد تسهیل و رفع موانع تولید
- ❑ شورای عالی بورس و اوراق بهادار
- ❑ شورای پول و اعتبار
- ❑ شورای اقتصاد
- ❑ شورای عالی معادن
- ❑ شورای عالی امنیت ملی

قانون تأمین مالی تولید و زیرساخت ها

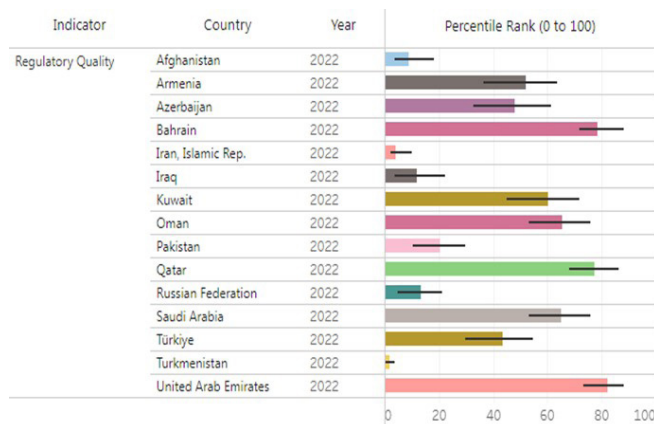
- ❑ شورای ملی تأمین مالی
- ❑ شورای عالی بیمه
- ❑ شورای عالی بانک مرکزی

یکی از مشکلات در سطح انتخاب اساسی پایین بودن کیفیت خط‌مشی‌گذاری و تنظیم‌گری مقررات در حوزه مختلف از جمله بهبود محیط کسب‌وکار در ایران است. مطابق شاخص حاکمیت خوب، روند کیفیت تنظیم‌گری مقررات در ایران به شرح نمودار زیر است. همان‌طور که در نمودار مشاهده می‌کنید، کیفیت تنظیم‌گری مقررات بسیار پایین بوده و از ۱۰۰ امتیاز ایران در بسیاری از سال‌ها نمره زیر ۱۰ گرفته است.



نمودار ۴. روند کیفیت تنظیم‌گری مقررات در ایران

در ضمن، کیفیت تنظیم‌گری مقررات در مقایسه با همسایه‌های ایران نیز نگران‌کننده است. همان‌طور که در شکل دیده می‌شود، ایران بعد از ترکمنستان در بدترین جایگاه است و چنین جایگاهی زبینه کشور ما نیست که بیش از ۱۰۰ سال سابقه قانون‌گذاری در منطقه دارد.



نمودار ۵. مقایسه کیفیت تنظیم‌گری مقررات در ایران و کشورهای همسایه

در اینجا این سؤال قابل طرح است که نماگرهای سنجش کیفیت تنظیم‌گری مقررات کدام‌اند تا بتوان با اصلاح تدریجی آن‌ها بر این ضعف خط‌مشی‌گذاری در کشور از جمله در حوزه بهبود محیط کسب و کار غلبه کرد:

جدول ۲. نماگرهای سنجش کیفیت تنظیم‌گری مقررات

ردیف	شاخص	ردیف	شاخص
۱	کاهش حجم صادرات	۱۵	شکل‌گیری رانت اقتصادی
۲	کاهش سرمایه‌گذاری خارجی	۱۶	کسب امتیاز انحصاری واردات کالا
۳	تحدید فضای رقابتی سالم	۱۷	کاهش مبادلات آزاد اری
۴	توزیع ناعادلانه امکانات	۱۸	کاهش فعالیت‌های تولیدی
۵	تعرفه‌های گمرکی تبعیض‌آمیز	۱۹	وضع قراردادهای دولتی بدون مزایده
۶	حمایت‌های یک‌جانبه دولت از طبقات خاص	۲۰	یارانه‌های ضد توسعه اقتصادی
۷	مقررات اداری ظالمانه	۲۱	عدم شفافیت مالی مؤسسات
۸	پیچیدگی سیستم مالیاتی	۲۲	پیچیدگی تأسیس شرکت‌های تولیدی
۹	موانع وارداتی ضد توسعه	۲۳	تحمیل ثبات قیمت‌ها
۱۰	شکل‌گیری انحصارات دولتی یا گروهی	۲۴	تحدید توسعه بخش خصوصی
۱۱	تخریب محیط‌زیست	۲۵	مسئله آفرینی برای رشد کسب و کار
۱۲	دخالت بی‌رویه دولت در امور اقتصادی	۲۶	وجود تبصره‌های گریز در قوانین
۱۳	حقوق و دستمزد غیررقابتی	۲۷	ناسازگاری قوانین و مقررات با یکدیگر
۱۴	سیستم بانکداری نامطلوب		

همان‌طور که در جدول ۲ دیده می‌شود، خط‌مشی‌گذاران اگر تصمیماتی بگیرند که باعث کاهش حجم صادرات، کاهش سرمایه‌گذاری خارجی، تحدید فضای رقابتی سالم و مانند اینها شود، کیفیت خط‌مشی تدوین پایین می‌آید.

یکی دیگر از مشکلات در سطح انتخاب اساسی، شکل‌گیری پدیده بیش مقرراتی (Overregulation) در ایران است. قانون‌گذاری بیش از اندازه به آداب اداری تبدیل شده است (قانون درمانی) و نتیجه آن افزایش پیچیدگی محیط کسب و کارهاست. رفتار قانون درمانی نقش آفرینان سطح اساسی، در عمل ممکن است به غرق شدن بازیگران سطح عملیاتی در گرداب قوانین و مقررات تودرتو منجر شود. تدوین قوانین و مقررات بیش از اندازه این خطر را دارد که آزادی عمل بخش خصوصی و مدیران در

سطوح پایین سلب شود. به سخن دیگر، "تنظیم‌گری مقررات" تبدیل به "تخریب‌گری" و "مداخله‌گری" بیش از اندازه بازیگران سطح کلان می‌شود. بوروکراسی حاد در حوزه کسب‌وکارها دیر وقتی است که در ایران حاکم شده است. بخشی از آن، برای فرار از مسئولیت و اعمال نظارت میلیمتری پیش از اقدام است که باعث شده شاخص سهولت کسب‌وکار در ایران کاهش یابد. بخش دیگر، ناشی از پدیده بیش مقرراتی و کم توجهی خط‌مشی‌گذاران به مقررات‌زدایی (deregulation) است. هرچند ایجاد هیئت مقررات‌زدایی و تسهیل مجوزهای کسب‌وکار گام مثبتی در این زمینه است، ولی این کارگروه نیز مقررات دیگری را وضع می‌کند (تبدیل شدن سازوکار مقررات‌زدایی به مقررات‌گذاری). باید در نظر داشت که مدیریت جزءنگرانه دولت از طریق تنظیم‌گری بیش از حد پیامدهای منفی زیادی دارد.

از سطح اساسی که بگذریم به سطح دوم می‌رسیم که کالیستا آن را سطح انتخاب جمعی نام‌گذاری کرده است. در این سطح افرادی که در اجرای قانون بهبود مستمر کسب‌وکار به‌طور کلی خط‌مشی بهبود محیط کسب‌وکار و سایر قوانینی که به آن‌ها ابلاغ می‌شود باید اقدامات مدیریتی انجام دهند و تصمیمات جمعی را اتخاذ می‌کنند که نمونه آن‌ها شامل اتاق بازرگانی ایران، وزارت امور اقتصادی و دارایی و چندین سازمان دیگر است. وظایف و نقش‌هایی برای آن‌ها در نظر گرفته شده است. بعضی از آن‌ها ماهیت سازمانی، بعضی ماهیت گروهی و بعضی ماهیت شورایی دارند مثل شورای گفت‌وگو. بعضی از این‌ها با رویکرد حکمرانی شبکه‌ای شکل گرفته‌اند که خیلی هم خوب است؛ ولی بعضی از این‌ها با همان تفکر حکمرانی سلسله‌مراتبی شکل گرفته‌اند. باید در نظر داشت که علی‌رغم هماهنگی قابل توجه در سطح انتخاب اساسی برای بهبود محیط کسب‌وکار، در سطح انتخاب جمعی، ناهماهنگی یک مسئله عمده است. تعدد مراکز تصمیم‌گیری و فقدان سازوکارهای مناسب هماهنگی بین دستگاه‌های اجرایی و کم توجهی به رصد مستمر و تنظیمات اجرایی کاملاً مشهود است. اتاق‌های فکر دولت در این سطح که به پشتیبانی اندیشه‌ای از اجرای خط‌مشی بهبود محیط کسب‌وکار می‌پردازند، در عمل به موازی‌کاری روی آورده‌اند. فقدان شبکه هماهنگی باعث شده است تا این اتاق‌های فکر به‌صورت جزیره‌ای عمل نمایند. از این رو، ضرورت سازماندهی مجدد اتاق‌های فکر در قالب شبکه یک ضرورت اجتناب‌ناپذیر است.

آنچه در میان عملکرد اتاق‌های فکر غایب است، توجه به مسائل اجرایی‌سازی خط‌مشی بهبود محیط کسب‌وکار است که از آن جمله می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- ❏ مطالعات مقررات‌زدایی با رویکرد تسهیل انجام کسب و کارها
 - ❏ مطالعات هماهنگ‌سازی بخش‌های دولتی؛ خصوصی و جامعه مدنی برای بهبود محیط کسب و کار
 - ❏ ارزشیابی عملکرد مراکز متولی اجرایی‌سازی خط‌مشی بهبود محیط کسب و کار
 - ❏ طراحی دوره‌های آموزشی با رویکرد میان‌رشته‌ای برای تربیت تحلیل‌گران کسب و کار
 - ❏ تربیت مشاوران مدیریت کسب و کار
 - ❏ ارزیابی تصمیم‌گیری گروهی در بهبود کسب و کارها در سطوح مختلف و طراحی سیستم‌های تصمیم‌یار گروهی
 - ❏ پایش توسعه کسب و کارها در ایران همسو با کلان روندهای محیطی
 - ❏ پایش آمادگی کسب و کار در سطح ملی همسو با شاخص جهانی آمادگی کسب و کار از سوی یکی از اتاق‌های فکر به‌عنوان نماینده کشوری (Local Point) بانک جهانی
- سطح سوم انتخاب عملیاتی قرار دارد. در این سطح نقش آفرینان کلیدی بهبود محیط کسب و کار، عمدتاً بنگاه‌های بزرگ، متوسط و کوچک در صنایع مختلف هستند که انتظار می‌رود، با بهبود فضای کسب و کار ناشی از تصمیمات سطوح بالادستی به تولید کالاها و ارائه خدمات باکیفیت بالا بپردازند. تصمیمات در این سطح توسط بازیگران کسب و کارهای مختلف در صنایع رقابتی یا شبه رقابتی برای پیشینه‌سازی سود گرفته می‌شود. شاخص سهولت انجام کسب و کارها/آمادگی کسب و کارها برای این سطح تدوین شده است. بازیگران در این سطح با انتخاب راهبردهای سازمانی، کسب و کار و عملیاتی تلاش می‌کنند محیط صنعتی را به نفع خود تغییر دهند.

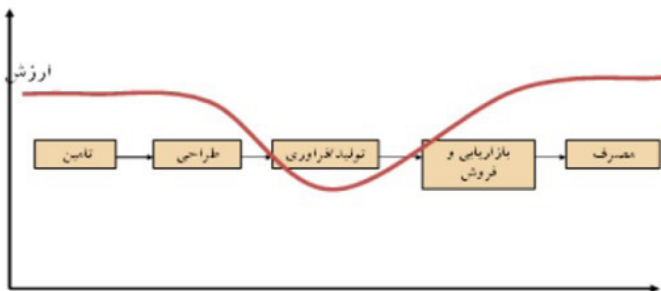


یکی دیگر از مشکلات در سطح انتخاب اساسی، شکل‌گیری پدیده بیش‌مقرراتی (Overregulation) در ایران است. قانون‌گذاری بیش از اندازه به آداب اداری تبدیل شده است (قانون درمانی) و نتیجه آن افزایش پیچیدگی محیط کسب و کارهاست.



یکی از مسائل اصلی در این سطح، توسعه نیافتگی بیشتر کسب و کارها در مقایسه با کشورهای دیگر است. بیشتر کسب و کارها در مرحله‌ای از زنجیره ارزش فعالیت دارند که ارزش افزوده کمتری دارند. اینکه اکثر صنایع در مرحله نوزادی و شکل‌گیری هستند. یعنی در زنجیره ارزشی یا در اول قرار دارند یا آخر و فکر می‌کنیم که چنین صنایعی چقدر می‌توانند توسعه یابند. مثلاً یک نمونه از این نقش‌های زنجیره ارزش را نگاه کنید. ما فکر می‌کنیم که اگر در مرحله تولید یخچال، خودرو و امثال آن کار کنیم، کار خیلی بزرگی انجام می‌دهیم. ولی نتایج تحقیقات در مورد ارزش آفرینی نشان می‌دهد که کشور ما در حوزه تولید با کمترین

ارزش افزوده مواجه است. این یک هشدار است. چه کسی باید به آن‌ها هشدار بدهد؟ در اتاق‌های فکر باید بررسی شود که به تولید محصولاتی بپردازیم که ارزش‌آفرینی بیشتری دارند و این زنجیره ارزش را کامل کنند. در ضمن، عدم تکمیل زنجیره ارزش در داخل کشور باعث شده است تا وابستگی به خارج کشور در بیشتر کسب‌وکارها، آسیب‌پذیری آنان را در شرایط تحریم افزایش دهد. در ضمن، کم‌توجهی یا عدم امکان به‌کارگیری فناوری‌های نوین در تولید (محصولات یا خدمات) قدرت رقابت‌پذیری آنان را در سطح منطقه و جهان کاهش داده است؛ بنابراین تدوین راهبردهای مناسب توسعه کسب‌وکارها از سوی دولت با همکاری بخش خصوصی و جامعه مدنی یک ضرورت اجتناب‌ناپذیر است. در ضمن، ضروری است دولت به تصویب و ابلاغ سند راهبردی توسعه صنعتی اقدام کند تا رشته‌های صنعتی اولویت‌دار در نقش پیش‌ران دیگر کسب‌وکارها ظاهر شوند.



نمودار ۶. تولید ارزش در زنجیره ارزش کسب‌وکار

در سطح چهارم، سطح انتخاب توزیعی قرار دارد. در این سطح نقش‌آفرینان کلیدی دستگاه‌های نظارتی هستند که بر چگونگی عملکرد بنگاه‌ها و توزیع منابع موردنیاز آن‌ها نظارت دارند. برخی از موازی‌کاری‌ها در حوزه نظارت مشهود است. بی‌شک، بوروکراسی ناشی از نظارت می‌تواند مانع خلق ارزش در کسب‌وکارها شود. انتظار می‌رود، سازوکارهای نظارتی به‌گونه‌ای تعدیل شوند که امکان استفاده از فرصت‌ها، کارآفرینی و ارزش‌آفرینی برای کسب‌وکارهای کشور فراهم آید. مهم‌ترین دستگاه‌های نظارتی عبارت‌اند از: سازمان بازرسی کل کشور، سازمان ملی استاندارد، وزارت کار، تعاون و رفاه اجتماعی، سازمان غذا و دارو، سازمان حفاظت محیط‌زیست، سازمان تأمین اجتماعی و سازمان تعزیرات حکومتی.

در خصوص دستگاه‌های نظارتی، باید به این نکته مهم توجه کرد که ایفای وظیفه نظارتی با رویکرد صرفاً بوروکراتیک، مسئله آفرین و منجر به ارزش سوزی در بیشتر کسب و کارها می‌شود. باید بر ارزش مناسبی بین فرصت‌های پیشروی کسب و کارها و سازوکارهای نظارتی برقرار شود.



شکل ۶. ماتریس برازش نقش دولت و احتیاجات کسب و کارها

در ضمن در هر کسب و کاری، عوامل کلیدی موفقیت متفاوتی وجود دارد، نقش حمایتی دولت از کسب و کارها باید به گونه‌ای باشد که امکان بهره‌گیری از عوامل کلیدی موفقیت برای کسب و کارهای ایرانی در رقابت‌های منطقه‌ای و بین‌المللی فراهم آید. بی‌توجهی دولت به دو محور برازش پیش گفته، به وضعیت بیگانگان ختم می‌شود. یعنی دولت با کسب و کارها همانند بیگانگان رفتار می‌کند. در نقطه مقابل آن، وجود برازش بالا، به شکل‌گیری محیط مطلوب کسب و کار منجر می‌شود.

توصیه من به اتاق‌های فکر در موارد زیر خلاصه می‌شود:

علی‌رغم تدوین خط‌مشی بهبود محیط کسب و کار در ایران، اجرایی‌سازی آن در عمل با موانع جدی مواجه شده است. در شناسایی موانع اجرایی‌سازی خط‌مشی، اتاق‌های فکر در بخش دولتی و غیردولتی چندان عملکرد خوبی ندارند. موازی‌کاری و شیفستگی غیرمعمول به پایش باعث شده است، رویکرد اجرای خط‌مشی در تحقیقات آنان به حاشیه رانده شود. ضروری است ضمن شبکه‌سازی بین اتاق‌های فکر در حوزه بهبود محیط کسب و کار، حوزه مطالعاتی آنان متناسب با سطوح مختلف تصمیم‌گیری بازتعریف شود.

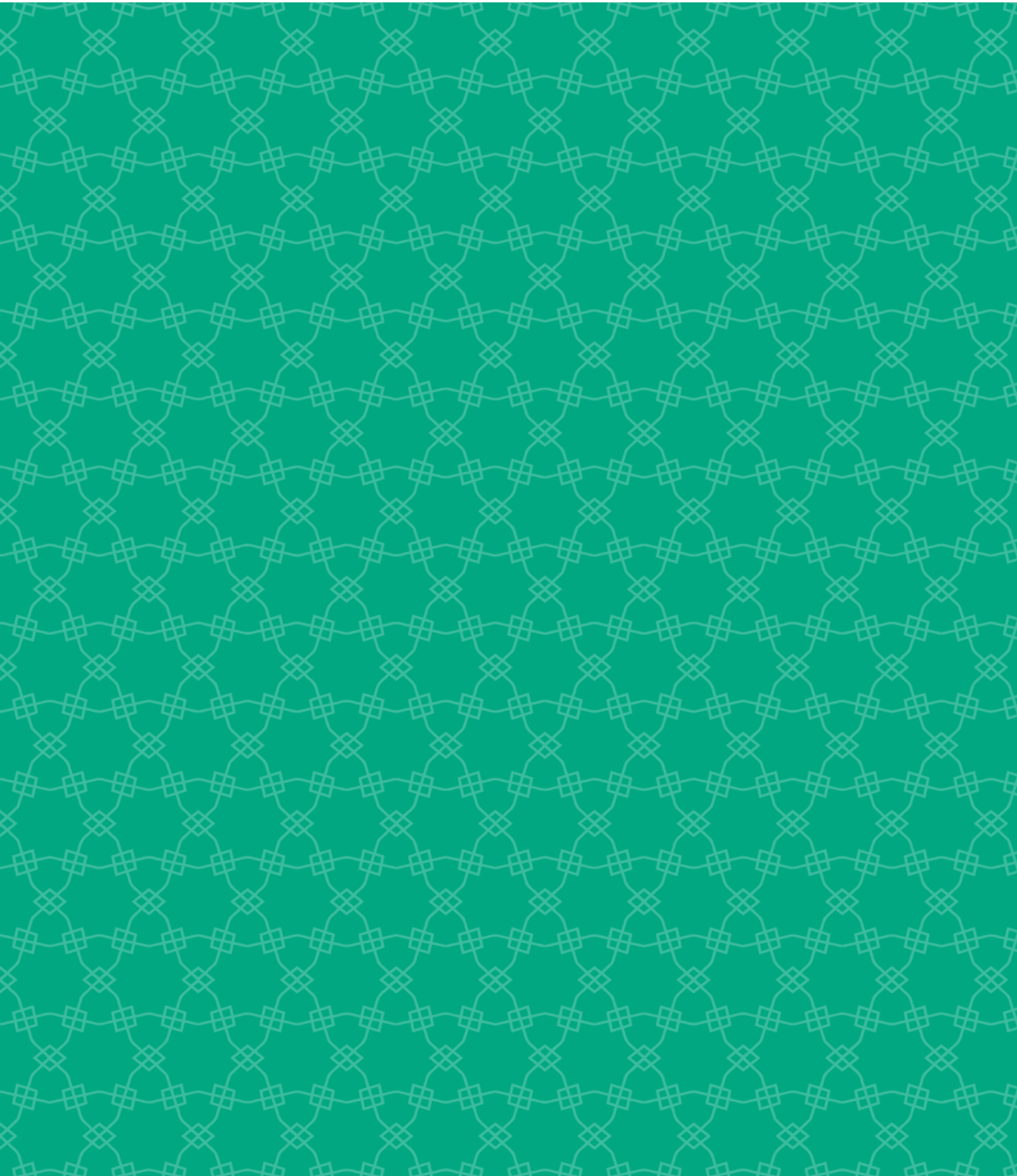
یکی از این اتاق‌های فکر، مؤسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه‌ریزی است که به ایجاد معاونت بهبود فضای کسب و کار اقدام کرده است. اگر جایگاه تشکیلاتی این مؤسسه را که به صورت وابسته به سازمان برنامه و بودجه اداره می‌شود را در نظر بگیریم، باید گفت حوزه فعالیت سازمان ما در آن، توسعه در سطح کلان است؛ بنابراین، نقش مطالعاتی، پایش و مشاوره مؤسسه نیز باید محدود به همین سطح باشد. به سخن دیگر، توسعه کسب و کارها باید مأموریت اصلی معاون بهبود فضای کسب و کار در مؤسسه باشد.

توسعه کسب و کارها شامل: (۱) کمک به تولید محصولات و ارائه خدمات در کلاس جهانی و صادرات آن‌ها؛ (۲) کمک به تزریق فناوری‌های نوین در کسب و کارهای مختلف؛ (۳) کمک به تکمیل چرخه ارزش در صنایع داخلی و تعریف جایگاه صنایع در زنجیره‌های ارزشی منطقه‌ای و جهانی؛ و (۴) پایش توسعه یافتگی کسب و کارها در سطح ملی می‌شود. هریک از حوزه‌های چهارگانه نیازمند پژوهش، آموزش، پایش و مشاوره است. از این رو، بازنگری در مأموریت اتاق‌های فکر با رویکرد جلوگیری از موازی‌کاری و ایجاد هم‌افزایی مورد تأکید است. در ضمن، عمل به توصیه‌های زیر می‌تواند در تحکیم جایگاه واقعی اتاق‌های فکر در پشتیبانی اندیشه‌ای از کسب و کارها کارساز باشد:

- ❑ برگزاری جلسات گفتگو برای توافق در مورد تشکیل شبکه اتاق‌های فکر در حوزه کسب و کار با رویکرد حاکمیت شبکه‌ای و اجتناب از جزیره‌ای عمل کردن
- ❑ تقسیم کار مناسب بین اتاق‌های فکر با رویکرد پشتیبانی از سطوح چهارگانه تصمیم‌گیری (انتخاب اساسی، انتخاب جمعی، انتخاب عملیاتی، انتخاب توزیعی)
- ❑ تدوین لایحه آمادگی کسب و کارها و جایگزینی آن با قانون تسهیل صدور مجوزهای کسب و کار
- ❑ تدوین شاخص توسعه یافتگی کسب و کارها در حوزه‌های مختلف صنعتی، کشاورزی، و...
- ❑ تدوین اسناد توسعه کسب و کارها به تفکیک بخش‌های مختلف اقتصادی
- ❑ تدوین برنامه‌های آموزشی میان‌رشته‌ای در حوزه بهبود کسب و کارها و ارائه آن به وزارت علوم با هدف تربیت منابع انسانی تحلیل‌گر و استراتژیست کسب و کار
- ❑ تربیت مشاوران بهبود محیط کسب و کار
- ❑ تدوین پایه نظری مقررات‌زدایی برای بهبود محیط کسب و کار
- ❑ اصلاح و تکمیل پایگاه‌های داده‌ای مورد نیاز با رویکرد کاربردی و پشتیبانی از

فرایندهای تصمیم‌گیری و یکپارچه‌سازی آن‌ها

- ❏ تشکیل آزمایشگاه خطمشی با رویکرد پیش‌بینی اثرات خطمشی‌های بهبود محیط کسب‌وکار و ارزشیابی ادواری خطمشی بهبود محیط کسب‌وکار
- ❏ کسب مجوز نمایندگی کشوری (Local Point) شاخص آمادگی کسب‌وکار برای تولید آمارهای واقعی و جلوگیری از سیاه‌نمایی احتمالی آنان





بخش سوم: نظرهای اعضای پنل



دکتر علاءالدین ازوجی

ارئیس امور اقتصاد کلان سازمان برنامه و بودجه کشور

بسم الله الرحمن الرحيم

سلام و عرض ادب خدمت همه بزرگواران حاضر در جلسه و تشکر از آقای دکتر رهنورد. من قصد دارم از منظر اقتصاد کلان وارد بحث شوم که به بحث کمک کند. در سطح دنیا سیاست‌گذاری، نتیجه محور است. در ابتدا باید ببینیم محیط کسب و کار برای چه کسانی باید بهبود یابد. این جامعه هدف عمدتاً مردم هستند. برای این مردم باید رفاه ایجاد شود. چه کسی این رفاه را فراهم می‌کند؟ این کارفرما و کارآفرین هستند که در قالب سرمایه‌گذاری ریسک می‌پذیرند. دولت در این زمینه چه نقشی داشته و چه کارهایی انجام داده است؟

شاخص‌های اقتصادی نشان می‌دهد که از سال ۱۳۹۰ به بعد تنها بخشی که دولت خیلی روی آن متمرکز شده، وضع قوانین و مقررات برای تنظیم قانون محیط کسب و کار است. تقریباً بیش از سیزده مبحث کلیدی در سطح حاکمیت تنظیم شده که از قانون بهبود مستمر محیط کسب و کار شروع شده است. ولی خروجی آن چه بوده است؟ رشد زیر یک درصد. سرمایه‌گذاری تقریباً منفی نشان می‌دهد که این فضای کسب و کار با آن چیزی که جامعه به دنبال آن است، مقداری متفاوت است.

اگر به بحث اقتصاد در شرایط نااطمینانی در فضای کسب و کار برگردیم. می‌بینیم که مشکل اصلی کارفرما و سرمایه‌گذار، مجوز و فرایند و مواردی از این دست نیست. بلکه ثبات محیط کسب و کار برایش اهمیت دارد. من به قانون مستمر محیط کسب و کار استناد می‌کنم که طبق بندی از آن سنجش محیط کسب و کار توسط اتاق بازرگانی انجام می‌شود. نتایج این سنجش نشان داده است، اولین مسئله‌ای که کارفرما با آن مواجه است، نااطمینانی از قیمت‌ها و پیش‌بینی ناپذیری اقتصاد ایران است؛ بنابراین باید نااطمینانی مبنای سیاست‌گذاری کسب و کار قرار گیرد. در غیر این صورت مجوزها و مواردی از این دست به نظام اداری کشور برمی‌گردد. ما اضافه کار هستیم درحالی‌که

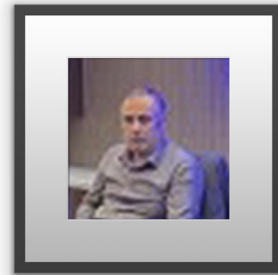
برای مردم چیزی حاصل نمی‌شود. از این رو می‌خواهم دو حقیقت را برای بحث اقتصاد وقتی در شرایط باثبات قرار می‌گیرد مطرح کنم. یک اینکه سهم کارفرما افزایش پیدا می‌کند. فرض بر این است که کارفرما شاخص یا نمادی از کارآفرینان است. خطا دارد؛ ولی شاخص دیگری بهتر از این نیست. وقتی اقتصاد ایران در طول سه دهه گذشته را رصد می‌کنید، می‌بینید سهم کارفرما از کل شاغلین کشور تقریباً به بالای هفت درصد می‌رسد و در برخی اوقات به سیزده درصد می‌رسد و در شرایط نااطمینانی به هشت درصد و زیر چهار درصد هم می‌رسد. این نشان می‌دهد که وقتی اقتصاد باثبات باشد یک وضعیتی دارد و وقتی اقتصاد بی‌ثبات باشد و نااطمینانی وجود داشته باشد یک وضعیت دیگری دارد. پس این مسئله به این بحث برمی‌گردد که در فضای کسب‌وکار به‌رغم اینکه ما قوانین و مقررات را فتح کردیم، خروجی این اتفاق نتوانسته است کارفرما را در اقتصاد نگه دارد. خروجی دوم این است که سطح سرمایه‌گذاری در اقتصاد ایران از سال ۹۰ تا سال ۱۴۰۲ به شدت کم شده است و میزان سرمایه‌گذاری در سال ۱۴۰۲ حدود ۵۶ درصد سرمایه‌گذاری در سال ۱۳۹۰ است. این نشان می‌دهد که افراد هنوز قانع نشده‌اند که وارد عرصه کسب‌وکار شوند. چرا این اتفاق افتاده است؟ یک دلیل آن طبق سنجش اتاق بازرگانی، وجود شاخص‌های نااطمینانی است. دوم نظام اخلاقی که در قیمت‌های نسبی اتفاق می‌افتد؛ یعنی نظام پاداش‌دهی به دارایی در اقتصاد ایران بیشتر از سرمایه‌گذاری است. کسی که سرمایه دارد پاداش کمتری می‌گیرد تا کسی که دارایی داشته باشد. بازدهی که دارایی در اقتصاد ایران دارد سالانه بالای حداقل ۶۵ درصد است؛ ولی در بحث سرمایه‌گذاری این مقدار کمتر از ۴۰ درصد است. ضمن اینکه یک اتفاق دیگر هم افتاده است. در حوزه کسب‌وکار و به استناد آن در حوزه کارفرماها، کارآفرینان و امثال کسانی که سرمایه‌گذاری انجام می‌دهند، باید همه این سرمایه‌گذاری‌ها جمع شوند که در اقتصاد رشد اتفاق بیفتد. سپس رشد به سفره مردم از طریق سهم بری عامل کار انتقال پیدا کند. سهم بری عامل کار اقتصاد سنتی معمولاً باید بیشتر باشد. نه به این دلیل که کاربرتر هست؛ چون در اقتصاد ما کمتر از کشورهای توسعه‌یافته است. سطح اقتصاد ایران تقریباً بین ۴۶ درصد تا ۴۹ درصد نسبت به کشورهای توسعه‌یافته کمتر است. در کشورهای توسعه‌یافته به بالای ۸۰ درصد می‌رسد. یعنی هر اتفاقی که در قالب تولید ناخالص داخلی رخ می‌دهد از طریق فضای کسب‌وکار به راحتی به خانوار سریع منتقل می‌شود. نظام توزیع و نظام توزیعی کشورهای توسعه‌یافته از طریق مالیات می‌چرخد. سیستم مالیاتی ما کارکرد

خوبی دارد. وارد نظام توزیع می‌شود که در قالب یارانه‌ها هست؛ ولی یارانه‌ها افراد را به جای اینکه از طریق این فضای کسب و کار وارد سیستم بازار کار کند، بیشتر آن‌ها را خانه‌نشین می‌کند. این مسئله در نقاط روستایی بیشتر اتفاق افتاده است. الان در سطح کشور دهک‌های پایین، بالای ۶۰ درصد سه دهک اول تا سوم شاغل ندارد. یعنی در واقع آن‌ها فقرشان از بابت اشتغال نیست، فقر از نداشتن اشتغال است. این فضای کسب و کاری که اتفاق می‌افتد عمده‌تاً معطوف است به نوع سیاست‌گذاری که اتفاق می‌افتد.

نکته بعدی که باید عرض کنم از بابت فرایند تجدید ساختار کسب و کاری که باید هست. واقعیت این است که نوع حکمرانی حاکمیتی در حکمرانی در کسب و کار چیست؟ البته وزارت صنعت یا کشاورزی یا بالادست سازمان برنامه و بودجه باید در این حوزه بیشتر ورود پیدا کند. سوال این است که کسب و کاری که در اقتصاد ایران شکل می‌گیرد تا چه حد شبیه برندها در سطح بین‌المللی هستند؟ عمده‌تاً این اتفاق نمی‌افتد. این مسأله باعث شده که تعداد بنگاه‌های ما در همان سطح باقی بمانند یعنی بزرگ نشوند. بزرگ نشدنشان هم به دلیل تفکر سنتی صادرات هست که هدف صادرات در عرصه خاورمیانه است. یک تفکر دیگر است که حلقه کسانی که در عرصه تجارت و تولید کار می‌کنند تا چه حد به حلقه تجارت منطقه‌ای و در نهایت بین‌المللی وصل می‌شوند. این حلقه تجارت خارجی ما را تشکیل می‌دهد. تقریباً نمی‌شود گفت که در اقتصاد ایران ده تا کارفرما این ویژگی را دارند. معمولاً باید این در قالب سیاست توسعه صنعتی شکل بگیرد. سیاست توسعه صنعتی که فراتر از تولید است. در واقع نشان می‌دهد که این رویکرد باید اتفاق بیفتد و دولت باید در مرحله اول سیاست نظام ایجاد اشتغال را کنار بگذارد که عمده‌تاً هم منجر به رانت شده است. در اقتصاد ایران عمده‌تاً اشتغال اصلی که باید محقق شود، رخ نداده یا اگر رخ داده در سطح پایین بوده است. دوم به جای سیاست نظام ایجاد اشتغال باید سیاست تربیت کارآفرین باشد. الان به ازای هر کارفرما در بخش خصوصی تقریباً سیزده چهارده نفر شاغل داریم که نسبت به گذشته افزایش یافته است و این نشانه خوبی است. فقط یک نکته هست در سطح باثبات چهار نفر تا پنج نفر شاغل به ازای هر کارفرما داریم ولی وقتی اقتصاد بی‌ثبات می‌شود این مقدار افزایش می‌یابد. یعنی تحمیل قوانین کار و یا نهادهای مختلف بر بنگاه باعث شده که حجم نگهداشت نیرو در بنگاه افزایش پیدا کند و در نتیجه بهره‌وری به شدت پایین بیاید و در بلندمدت عمده‌تاً خروج اتفاق می‌افتد. لذا سیاست بعدی که باید

بعد از تربیت کارآفرین مد نظر قرار گیرد، نگهداشت آن است. بعد از نگهداشت، افزایش مقیاس (scale up) آن‌ها در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی؛ یعنی وصل شدن به زنجیره منطقه‌ای در سطح خاورمیانه و در سطح بین‌المللی باید هدف قرار گیرد. چون در حال حاضر بنگاه‌های ما در حوزه صنایع مواد غذایی به راحتی نمی‌توانند وارد بازار اروپا شوند ولی می‌توانند از طریق برندهایی مثل ترکیه، چین و غیره وارد بازار اروپا مثل روسیه شوند. این زنجیره می‌تواند اتفاق بیفتد که البته باید دو دهه قبل اتفاق می‌افتاد. نوع تجارت ما از بعد صادرات غیرنفتی متأسفانه سنتی است و در قالب زنجیره‌های ارزشی که بتواند فضای ثروت جهان را جذب کند، نیست. بر این اساس وصل شدن به زنجیره ارزش در قالب سیاست توسعه صنعتی که مؤسسه دنبال می‌کند، یکی از مباحث کلیدی رویکرد ده سال آینده اقتصاد ایران باید باشد و چاره‌ای جز این نیست.

یکی از مثال‌های عینی این است که ما در طول ۲۰۰ سال گذشته رابطه سیاسی زیادی با روسیه داشتیم. روابط سیاسی هم در طول تاریخ چه خوب و چه بد داشته‌ایم ولی روابطمان از بعد روابط تجاری به شدت محدود است. این نشان می‌دهد که روسیه در حال حاضر شریک تجاری ما نیست. برای اینکه روسیه شریک تجاری ما بشود، برخی از فعالان اقتصادی ما در قالب زنجیره ارزش از طریق ترکیه و چین به صورت غیرمستقیم به روسیه وصل شوند. این رو باید در واقع اصلاح انجام شود تا این زنجیره ارزش محقق شود. مطالعات جهانی در ارزش‌گذاری جهانی هیچ‌گاه فضای کسب‌کار به صورت کلی نیست، بلکه به صورت مشخص است. یعنی شما برای صنایع پوشاک باید محیط کسب‌وکار را تنظیم کنید. این فضایی که برای محیط کسب‌وکار در کشور داریم عمدتاً کلی هست و بعضی جاها منجر به رانت می‌شود و در بعضی جاها هم موانعی برای کسب و کارشان ایجاد می‌کند. به همین خاطر باید این موانع را از طریق اجرای سیاست‌های کسب‌وکار خاص دنبال کنیم.



دکتر مهدی فلاح دوست

معاون مرکز ملی مطالعات، پایش و بهبود محیط
کسب و کار، وزارت امور اقتصادی و دارایی

بسم الله الرحمن الرحيم

عرض سلام و ادب و احترام دارم خدمت حضار گرامی و همه مخاطبین نشست. از فرمایشات همه دوستان به خصوص جناب دکتر رهنورد که نکات بسیاری را مطرح کردند استفاده کردیم که حداقل برای من خیلی مفید بود و ان شاء الله بتوانیم مباحث و مشکلاتی را که طرح کردند، ما به عنوان بخش اجرایی در دولت و با همراهی همه ارکان دولت رفع نماییم. موضوع بحث، تحلیل نقش آفرینان حوزه بهبود محیط کسب و کار هست. من قبل از اینکه وارد موضوع بشوم یک کلیاتی عرض بکنم که اصلاً ما آن دیدی که از محیط کسب و کار مناسب داریم چیست و محیط کسب و کار مناسب واقعاً به چه کار می‌آید؟ یک محیط کسب و کار مناسب منجر به افزایش توان کسب و کار می‌شود. وقتی توان کسب و کار رشد کند، درآمدهای بیشتری حاصل می‌شود. این درآمدها بخشی از مالیات‌های دولت قرار می‌گیرد و این باعث می‌شود که دولت از این طریق، حمایت خودش از محیط کسب و کار را افزایش دهد.

موضوع بعدی وقتی که توان کسب و کار رشد کند، منجر به افزایش اشتغال در سطح کشور می‌شود. افزایش اشتغال، رشد و رفاه اجتماعی را به دنبال دارد و همه این موارد باعث می‌شود که باز هم دولت به موضوع بهبود محیط کسب و کار بیشتر توجه کند.

مجموعه عواملی در اقتصاد منجر به تخریب محیط کسب و کار می‌شوند. این عوامل شامل عوامل کلان مثل فشار بی‌ثباتی محیط اقتصاد کلان، تورم، جذابیت نامولدها در کشور و افزایش ریسک فعالیت‌های مولد می‌شوند. به هر حال منابع حتی ممکن است به آن‌ها تخصیص داده شود. خود فشار محیط نامساعد فعالیت باعث می‌شود که تأمین مالی‌های با بار سنگینی روی کسب و کارها تحمیل شود. فرایندها رانتهی‌تر شوند و کیفیت تنظیم‌گری مقررات تحت الشعاع قرار بگیرد. عامل مخرب

دیگر، اندازه نظام اداری ماست که هر چه چابک نباشد می‌تواند بر محیط کسب و کار تأثیر معکوس بگذارد. عوامل مختلف نهادی و اقتصادی بر محیط کسب و کار تأثیر می‌گذارند؛ بنابراین دستگاه‌های مختلفی باید به موضوع ورود بکنند و در تعامل با هم محیط کسب و کار را بهبود دهند.

من از این به بعد روی نقش آفرینانی که در این حوزه‌ها وجود دارند تمرکز می‌کنم. نقش آفرین اول قانون‌گذار است. کسی که در واقع به مسئله و معضلی که در محیط کسب و کار وجود دارد آگاه است و خط‌مشی‌های لازم را مصوب می‌کند. در این سال‌های اخیر حداقل چهار قانون در حوزه محیط کسب و کار داشتیم که صراحتاً بعضی‌ها به موضوع کسب و کار اختصاص پیدا کردند.

نقش آفرین دوم دستگاه‌های اجرایی مسئول بهبود محیط کسب و کار هستند. نقش آن‌ها در اجرای قوانین و تعامل با فعالان اقتصادی و تشکل‌ها و ارائه پیشنهادها برای اصلاح محیط کسب و کار مطرح می‌گردد. به همین دلیل باید طبق قانون یکی از معاونین دستگاه را به عنوان مسئول بهبود محیط کسب و کار معرفی کنند.

نقش آفرین سوم خود صاحبان کسب و کار هستند. نوع واکنشی که کسب و کارها به موضوع خط‌مشی دارند می‌تواند خط‌مشی را تضعیف یا تقویت کند و منجر به مستعد شدن فضای کسب و کار گردد.

نقش آفرین چهارم تشکل‌ها و نهادهای واسط بین بخش خصوصی و دولت هستند تا هماهنگی بین این دو بخش را برای اجرای درست قوانین برای بهبود محیط کسب و کار فراهم کنند. این تشکل‌ها شامل اتاق‌های بازرگانی، اتاق تعاون و اتاق اصناف هستند و نهادها شامل شورای گفت‌وگو و کمیته حمایت از کسب و کار و انجمن‌ها می‌شوند.

یکی از اصلی‌ترین نهادها مرکز ملی مطالعات، پایش و بهبود محیط کسب و کار است. این مرکز اصلی‌ترین نهاد در قوه مجریه هست که دقیقاً روی بهبود محیط کسب و کار متمرکز است. چشم‌انداز ما برای این مرکز ایجاد یک محیط مناسب و امن برای فعالیت‌های کسب و کارها برای تولد آسان و رشد سریع و پایدار کسب و کارها است. این رشد سریع فقط مبنا نیست؛ بلکه کسب و کارها باید دوام داشته باشند و استمرار پیدا کنند.

دو هدف کلانی که این مرکز دنبال می‌کند شامل رشد سهم بخش خصوصی در اقتصاد ملی از طریق بهبود محیط کسب و کار و ارتقای جایگاه ایران در شاخص‌های

جهانی کسب‌وکار است. سیاست‌ها و برنامه‌هایی در راستای رسیدن به این اهداف در این مرکز دنبال می‌شود. آسیبی که در این بخش باید به آن توجه بیشتری شود، بحث بیش مقرراتی است و اینکه هیئت مقررات‌زدایی ممکن است خودش هم وارد مقررات‌گذاری بشود که یک خطر است و باید از آن پیشگیری کرد. برای تحقق این موضوع بهبود محیط کسب‌وکار نیاز به همکاری همه دستگاه‌ها و نقش‌آفرینان است.

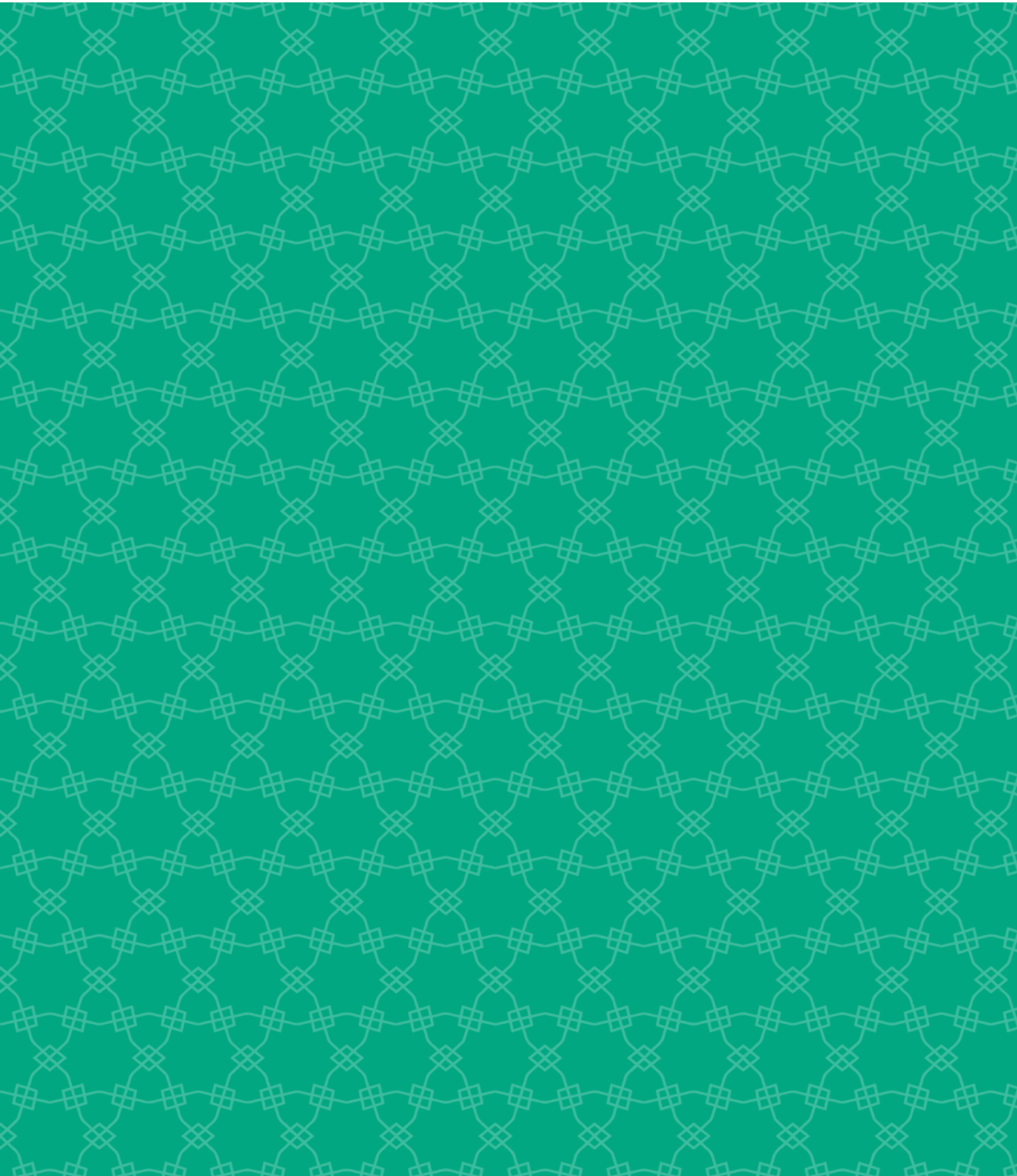
در حال حاضر مرکز بر اساس همه این نکاتی که عرض کردم فعالیت می‌کند. اولین برنامه مرکز انجام پژوهش‌های کاربردی در داخل یا بیرون سازمان است تا تصمیم‌ها و سیاست‌گذاری درستی را اجرا کند. نمونه‌اش موضوع ممنوعیت پرورش ماهی تیلاپیا در ایران است که با تحقیق میدانی به این نتیجه رسیدیم که با نظارت‌های بهتر آزادسازی صورت بگیرد. همچنین پژوهش‌های لازم برای مقررات‌زدایی در جهت اصلاح محیط حقوقی کسب‌وکار صورت می‌گیرد.

برنامه بعدی ما ساده‌سازی فرایند شروع، راه‌اندازی و توسعه کسب‌وکار است. نمونه کارهایی که توسط وزارت اقتصاد انجام شده، راه‌اندازی درگاه ملی مجوزها است و در حال حاضر مجوز سه‌روزه صادر می‌شود، صدور مجوز خودکار در صورت تأخیر مراجعین صادر می‌شود، دخالت‌های بی‌ضابطه کم شده است، کمیسیون‌هایی که وجود داشتند؛ مثلاً در حوزه نظام روان‌شناسی و جاهای مختلف حذف شده‌اند و شرایط غیرضروری با اختیارات هیئت وزیران حذف شده‌اند. همچنین در بحث رشد کسب‌وکارها مشاوره عمومی و تخصصی راه‌اندازی شده است. مشکلاتی که در حوزه زیربخش وزارت اقتصاد دارند مرتفع گردیده است. تأمین مالی تبصره هجده هم در همکاری با مراکز دیگر صورت می‌گیرد که به پروژه‌های اولویت‌دار تخصیص پیدا کند. برای هر مجوز سقف زمانی تعیین شده است.

با این حال کاری که در جهت تسهیل صدور مجوزهای کسب‌وکار باید انجام شود این است که رویکرد نظارتی از پیشینی به پسینی تغییر پیدا کند. کارهایی که در این زمینه انجام شده و در حال انجام است عبارت‌اند از: اجرای طرح تراز برای شناسایی و تشویق فعالان خوش‌رفتار به منظور تمکین از مقررات و سامانه نظارت هوشمند مردمی با ایجاد پایگاه داده کسب‌وکارها که در حال تکمیل است. همچنین طرح‌هایی که در حال حاضر در مرکز در حال اجرا است، عبارت‌اند از:

❏ شناسایی و رتبه‌بندی بنگاه‌های اقتصادی خوش‌رفتار (طرح تراز)

- ❑ عملیاتی نمودن فرایند یکپارچه سازی کسب و کارهای مرتبط با احداث بنا و تأسیسات (زمین پایه)
- ❑ ایجاد دبیرخانه نظارت بر تدوین لوایح قانونی و مقررات برای انجام نظارت پیشینی بر وضع مقررات
- ❑ تعیین جایگاه ایران در پروژه آمادگی کسب و کار (نمره و رتبه)





بخش چهارم: پرسش و پاسخ



آقای محمدرضا دوست محمدی

مدیرکل بهبود فضای کسب و کار، مؤسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه‌ریزی

با عرض سلام و تشکر از مباحث خوبی که ارائه شد. من فقط قصد دارم در حوزه نقش آفرینان به گروهی اشاره کنم که به نظر من مقداری مغفول باقی مانده است. ما در طی یک سال گذشته مطالعات گسترده‌ای در این حوزه انجام دادیم و به این نتیجه رسیدیم که یک حلقه واسطی بین دولت و بخش خصوصی به عنوان کاربر باید وجود داشته باشد و آن فرایند توانمندسازی کسب و کارهاست. اسم این گروه را گروه متمم قرار دادیم؛ یعنی مجموعه‌ای از مدرسان کسب و کار، تسهیلاتگران کسب و کار، مربیان کسب و کار و مشاوران کسب و کار. در حقیقت اثرگذاری دولت بر پایداری کسب و کارها یکی از نقاط ضعف دولت است. یعنی علی‌رغم اینکه دولت تأمین مالی می‌کند، تبصره می‌گذارد، انواع و اقسام وام‌ها را می‌دهد، انواع و اقسام قوانین را وضع می‌کند؛ اما منجر به پایداری کسب و کارها نمی‌شود. دلیل آن این است که دولت نمی‌تواند سه الی چهار میلیون کسب و کار را خودش اداره کند. باید یک سری عناصر واسطه‌ای وجود داشته باشند که عمده‌تاً هم بخش خصوصی هستند و کار تصدی‌گری هم انجام می‌دهند به عنوان توانمندسازهای کسب و کار فعالیت کنند. این توانمندسازهای کسب و کار متأسفانه در کشور ما جایگاه قانونی مشخصی نداشته و کسی حمایتشان نمی‌کند و شبکه‌سازی نشده‌اند. در عین حال دولت به چنین افرادی نیاز دارد تا مثلاً طرحی به نام طرح احیاء ده هزار واحد صنعتی را اجرا کند. در این طرح باید برای احیای هر واحد یک احیاگر وجود داشته باشد که احیاگر باید از جنس همین توانمندسازهای کسب و کار باشد؛ بنابراین من فکر می‌کنم که ما در حوزه نقش آفرینان کسب و کار به این طبقه واسط نیاز داریم. دولت باید به عنوان سیاست‌گذار، مسئولین و کسانی که در این حوزه هستند این گروه را تقویت کرده، شبکه‌سازی کرده و حمایت کند تا بتوانند پایداری کسب و کار را دنبال کنند.



آقای دکتر علی جهانگیری

عضو هیئت علمی مؤسسه عالی آموزش و پژوهش
مدیریت و برنامه ریزی

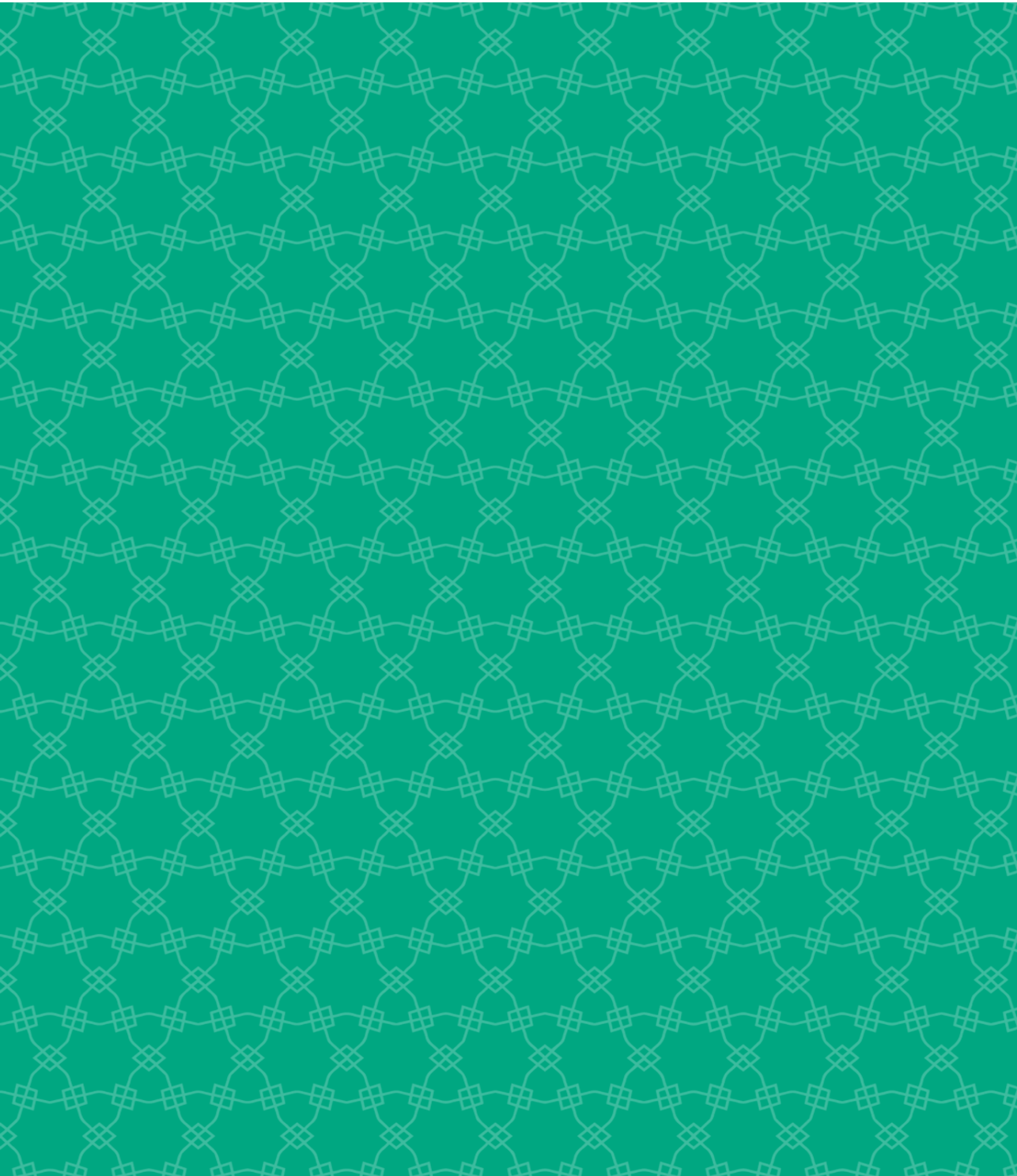
از نقطه نظرات همه اعضای پنل استفاده کردیم و از حوزه معاونت پژوهشی هم تشکر می‌کنیم که این جلسات رو تشکیل دادند. من سؤالی از آقای دکتر فلاح دوست دارم، مطالبی که اینجا فرمودید وزارت اقتصاد و دارایی کار زیادی در حوزه تسهیل کسب و کار انجام داده؛ اما در مقابل این کار زیادی که همین تشکیلات مجموعه شما و نهادهای دیگر انجام داده‌اند؛ اما آثاری که باید در حوزه کسب و کار مشاهده کنیم، ندیده‌ایم. با وجود همه نقش آفرینی‌ها در این حوزه چرا انگیزه‌های سرمایه‌گذاران کاهش پیدا کرده است. من یک پیشنهادی دارم شما در وزارت اقتصاد یک مجموعه دارید، ما یک مجموعه نهادی داریم، اتاق بازرگانی و سازمان تجارت هم نهادهای دیگری هستند که در این حوزه کار می‌کنند. باید یک نهادی متولی ارتباط بین این نهادها و راهبری آن‌ها باشد. تقسیم وظیفه کند و نظارت داشته باشد تا سهولت کسب و کار را مردم در عمل در کسب و کار خود مشاهده کنند. خیلی متشکرم.



آقای دکتر علاءالدین ازوجی

رئیس امور اقتصاد کلان سازمان برنامه و بودجه کشور

در شروع برنامه هفتم هستیم. به‌رحال در این برنامه یک سری الزامات سطح بالا از رشد و سرمایه‌گذاری وجود دارد. قبل از اینکه قانون بهبود مستمر کسب و کار در سال ۹۰ تنظیم شود، سطح رشد شش و نیم درصد، هفت درصد بود و برای اینکه به هشت درصد برسیم، قوانین و مقرراتی برای کسب و کار تنظیم شد. ولی الآن وضعیت فرق می‌کند. در دنیا فرضی برای ریسک در قانون گنجانده می‌شود که اگر این اتفاق بیفتد این قانون اجرایی خواهد شد. یعنی اگر ریسک‌های بیرونی اتفاق نیفتد این قانون قابلیت اجرایی بیشتری دارد. معمولاً در ایران برای همه قوانین چنین چارچوبی وجود ندارد. من پیشنهادم این است که آقای دکتر باتوجه به اینکه سیزده چهارده سال از قانون بهبود مستمر کسب و کار گذشته یک ارزیابی تأثیر برای این قانون انجام شود.





بخش پنجم: جمع بندی نهایی



آقای دکتر جواد حسین زاده

معاون بهبود فضای کسب و کار مؤسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه‌ریزی

ضمن اینکه تشکر مجدد می‌کنم از همه عزیزانی که به شکل حضوری و مجازی در نشست شرکت داشتند. همین‌جا دعوت می‌کنیم از همه عزیزان که بتوانیم با هم‌افزایی این فضای بسیار پر اهمیت در کشور که محیط کسب و کار هست را بهتر پیش ببریم.

کلیاتی که در این نشست به آن‌ها اشاره شد به شرح زیر است:

- نقش بازیگران و نقش آفرینان در حوزه کسب و کار
- محیط‌های داخلی و خارجی، خرد و کلان و مدل‌های معمول در حوزه کسب و کار
- سطوح مختلف نقش آفرینان کلیدی و اساسی در این حوزه و چالش‌ها، راهکارها و سیاست‌های مربوط به آن
- اهمیت وصل شدن به زنجیره ارزش منطقه‌ای و ارزش‌گذاری جهانی
- وظایف مرکز ملی پایه در وزارت اقتصاد
- اهمیت کارآفرینی و لزوم افزایش سهم کارفرما در بازار کار و ارزش افزوده آن در اقتصاد

من به‌عنوان جمع‌بندی چند تا نکته را به نظر آمد.

از نکات عزیزان جمعاً هشت بحث و یک پیشنهادی برای نشست‌های بعدی را با هماهنگی عزیزان تهیه کردیم.

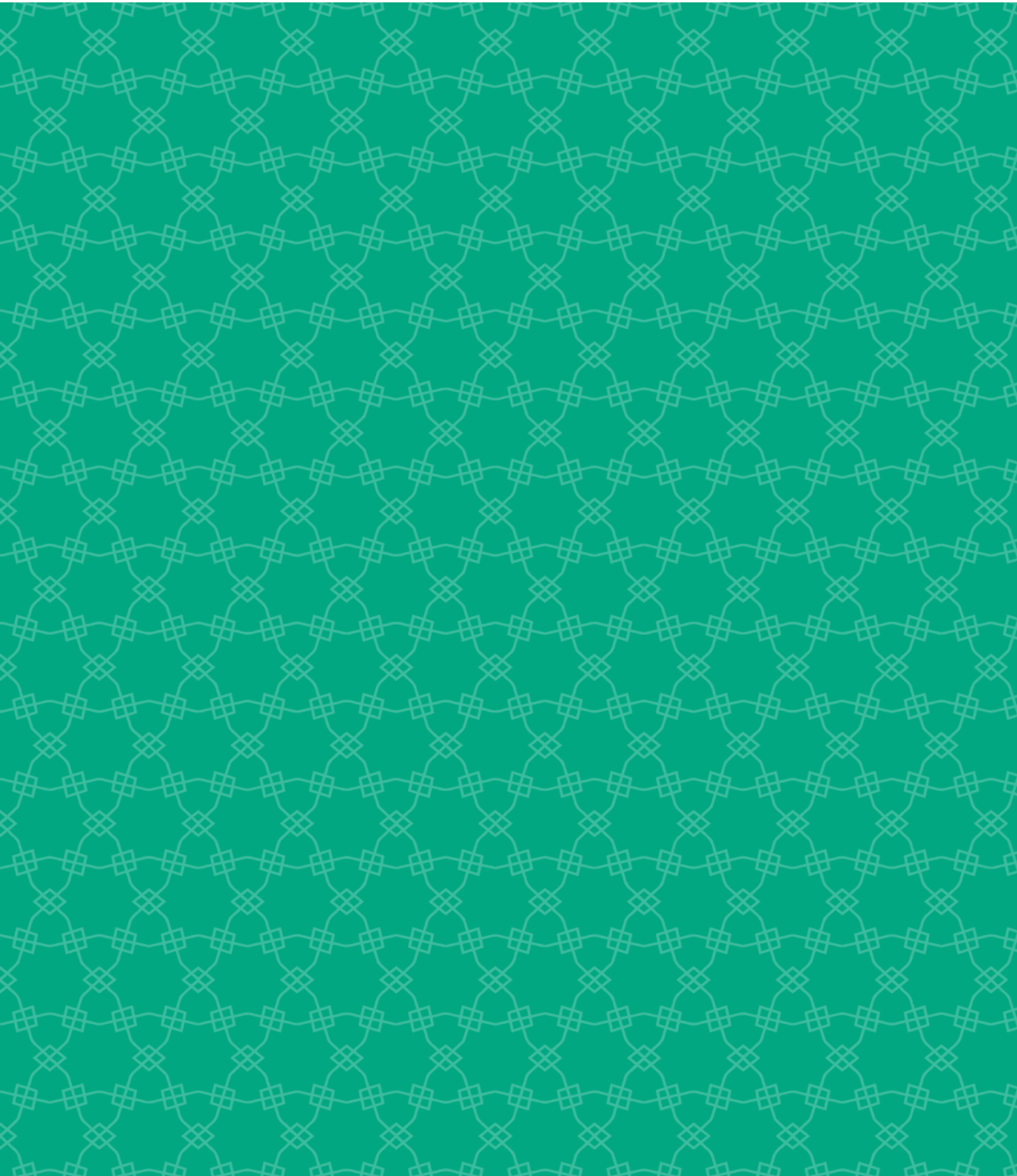
- لزوم تدوین سند راهبردی توسعه کسب و کارها با توجه به مفهوم و تنوع کسب و کارها
- ایجاد شبکه‌ای از نقش آفرینان حوزه کسب و کار به‌ویژه اتاق‌های فکر در دولت
- تقسیم کار بین نقش آفرینان و جلوگیری از موازی‌کاری
- تدوین شاخص‌های توسعه یافتگی کسب و کار مانند شاخص ترکیبی در حوزه کسب و کار
- تدوین سند آموزشی و تربیت مشاوران مدیریت کسب و کار و طراحی دوره‌های

مهارتی و آموزشی به‌ویژه برای نقش آفرینان کسب و کار و تسهیلگران این حوزه

- ▣ طراحی مطالعات و پژوهش‌های موردنیاز حوزه کسب و کار به‌صورت مشترک
- ▣ طراحی، انجام پژوهش‌های مشترک و پایش و بررسی اثرگذاری قوانین به‌ویژه قانون بهبود فضای کسب و کار.

پیشنهاد من این است که چهار نشست در این حوزه برگزار شود که عبارت‌اند از: نگاهی گذرا به فضای کسب و کار، چالش‌ها و رهیافت‌های آن، سازوکار تدوین سند ملی کسب و کار (پیشنهاد آقای دکتر رهنورد) به تفکیک بخش‌های مختلف اقتصادی، چالش‌ها و رهیافت‌های تأمین مالی تولید با رویکرد برنامه هفتم پیشرفت، الزامات نهادی، حقوقی و اقتصادی و معرفی توانمندسازهای کسب و کار و نقش آن‌ها در سیاست‌های حمایتی دولت از کسب و کارها. نکته آخر هم بحث‌هایی که در این نشست‌ها مطرح می‌شوند در قالب نشست نگار برای بحث مدیریت دانش تهیه کنیم و یک سند آموزشی روی سایت قرار دهیم تا این بحث‌ها برای دوستان اشاعه داده شود.

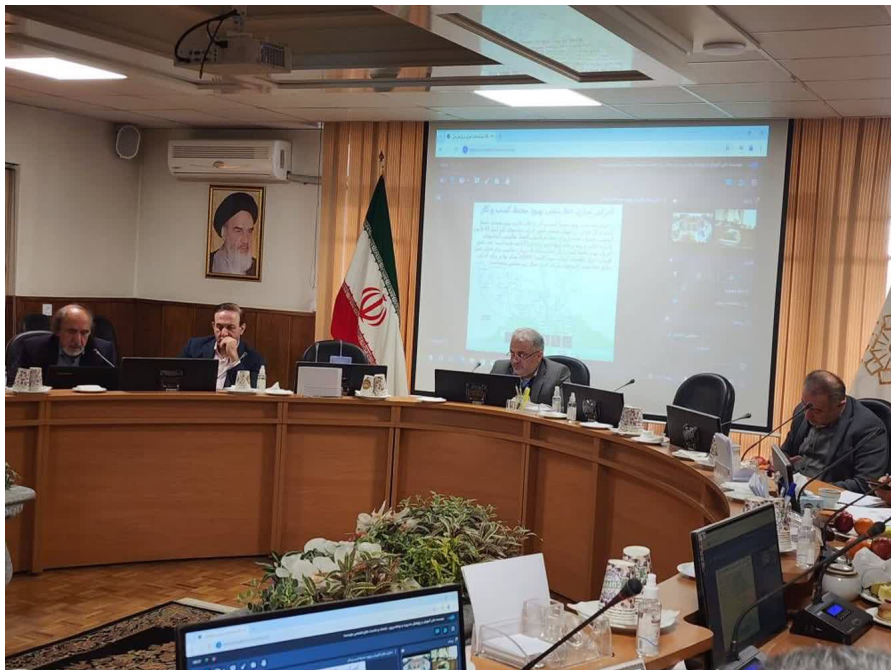
با ذکر صلوات بر محمد و آل محمد جلسه را ختم می‌کنیم.





بخش هشتم: تصاویر نشست







مؤسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه ریزی

